

# آهنگ بدیع

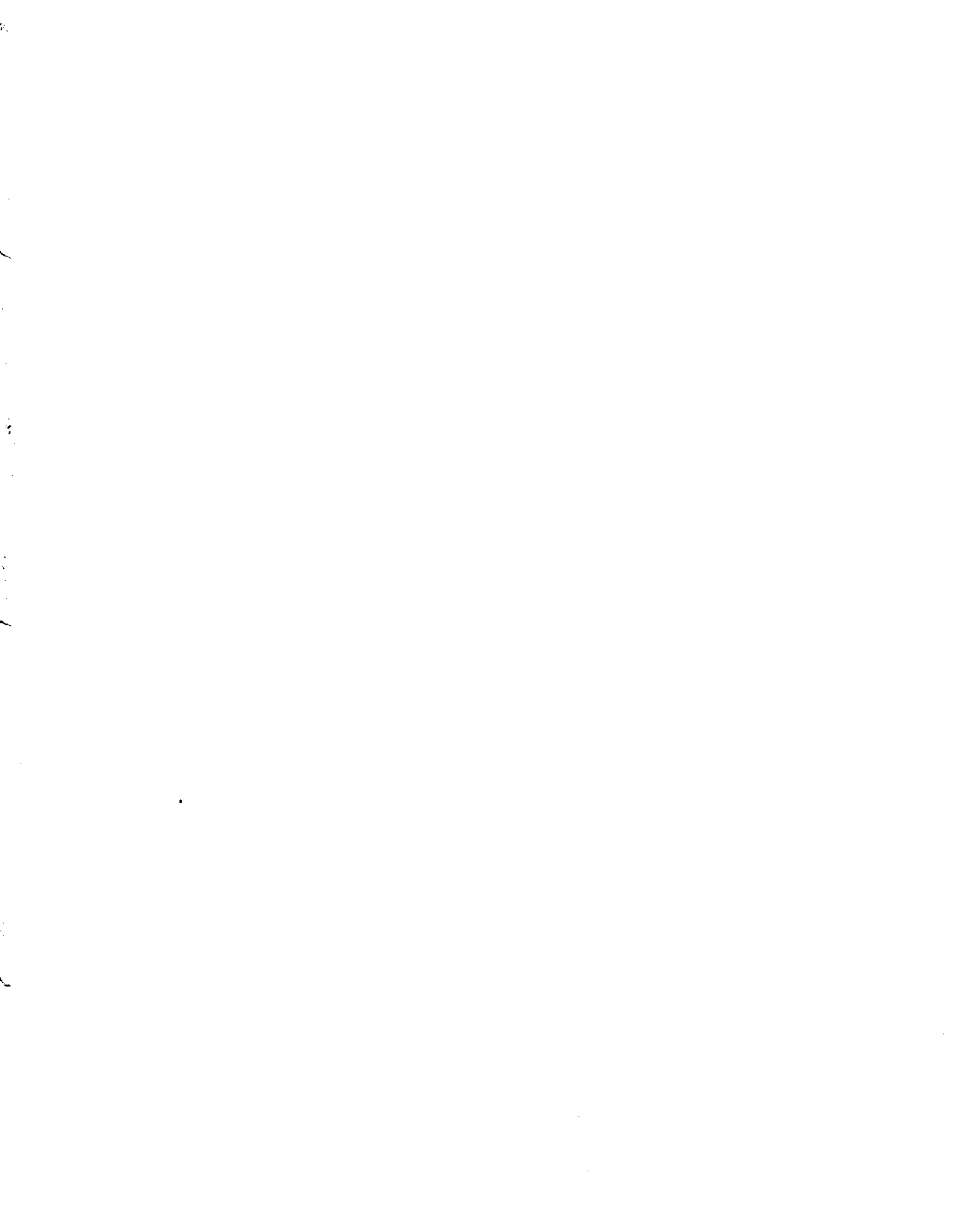
سال

۲۵

شماره

۱۲-۱۱





# اجتہاد علمی نباید بیسج خربی داخل شوند و در امور سیاسیة مدافعند نمایند

« حضرت عبدالبها، »

## فهرست مطالب

- ۱ - لوح مبارك حضرت عبدالبها ۲۷۸
- ۲ - سرمقاله . نظری بهفتمین سال نقشه ۲۸۰
- ۳ - تجزیه السواح ۲۸۲
- ۴ - آشنائی با مارک تویی نقاش معاصر امریکائی ۲۸۴
- ۵ - کفرانس مونرویا ۲۸۸
- ۶ - شعر صدای پای آب ۲۹۱
- ۷ - گفتگو با خانم جنیدی ( مهاجر نیجر ) ۲۹۲
- ۸ - اخبار مصور ۲۹۵
- ۹ - درنگ جایز نیست ( شعر ) ۲۹۷
- ۱۰ - کامل وینجو ۲۹۸
- ۱۱ - عکس تشکیلات ۳۰۳
- ۱۲ - فهرست عمومی ۳۰۴
- ۱۳ - نوجوانان

پشت جلد : این شماره طرح برادوی از نقاشیهای  
مارک تویی است .

# آهنگ بدیع

پشت جلد شماره ۹ - ۱۰ آهنگ بدیع خط مشکین قلم  
از مجموعه جناب توفیق طبیب زاده انتخاب شده بسود  
از لطف ایشان متشکریم .

سال  
۲۵  
شماره  
۱۱-۱۲

شهر السلطان - شهر العلاء - بهمن - اسفند ۱۳۴۹



مخصوص جامعه بهائی است

# لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

« ... ای یاران مقصود از اشراق شمس حقیقت و نفع در صورت و ارتفاع نوار و تکرار صد هزار شقت و  
بلا و حشر در مشهدند او قربانی شهد این بود که این جهان تاریک روشن گردد و دین عالم ظلمانی  
نورانی شود عرصه ناسوت جلوه گاه لاهوت گردد و روی زمین بهشت برین شود نزاع و جدال  
بکلی برآفتد بعضی که جنگ و پرخاش از خصائص ارادلی و او باشد گردد بنیان بختها برآفتد

و بنیاد بنا خراب گردد و شجره محبت و وفا عرس شود و عالم خاک آئینه جهان پاک گردد  
اهل زمین آسمانی گردند و نفوس ظلمانی انورانی شوند و نفس شیطانی رحمانی گردند محبت و مهربانی  
آفاق کنند و بانوح انسانی از هر قسلی در نهایت محبت و لغت سلوک و حرکت فرمایند ای یاران  
وصایا و نصایح جمال مستدم را بگوش جان استماع کنید و تا توانید خاطر میسازید و دلی را محزون  
کنید سبب سرور قلوب باشید و باعث شادمانی عالم انسانی گردید نظر خلاق نکنید بلکه توجه بحق  
نمایند متعلق با خلاق الهی شوید و منجذب بنجات قدس ربانی گردید آیات رحمت حق باشید  
و بیانات موهبت آسمانی گردید دشمنان را دوست جانی شوید و اعدا را یار روحانی گردید اگر  
ضربتی خوردید رحمتی بنمایند اگر زخمی گسیدید مرهمی بنهید اگر ستم قاتل چشیدید شاهد فائق بدیدید بلکه  
بالطاف بی پایان حضرت رحمان مانند شمع هر جسمی را روشن نماید تا جانها بشارت یابد و  
دلها مسرت جوید چشمها روشن شود گوشها سرازیر مرغ چمن گردد اینست وصایا و نصایح  
عبدالهما، امیدوارم به آن موفق شوید و علیکم التیمه والسلام... ع ح

سالی که گذشت جامعه جهانی بهائی شاهسود  
بیروزها و پیشرفت‌های ارزنده‌ای در زمینه بسط و انتشار امرالله  
در قارات عالم بود .

قیام همه جانبه جوامع بهائی در سراسر عالم در تحقق  
بخشیدن با اهداف این نقشه و سرور استعدادات عجیبه در ملل  
عالم در پذیرش پیام الهی و در راه آن تأییدات غیبیه الهیه  
کل حصول انتصارات و فتوحات باهره و حیرت انگیز را موجب  
گردیده است .

بیت العدل اعظم الهی با صد و بیست و یک روح پرور  
و نظارت عالی در حسن اجرای امور امریه در سراسر عالم بهائی  
جامعه جهانی بهائی را در این جهان پر آشوب حفظ و بسوی  
اهداف عالی خویش هدایت و رهبری فرموده اند .

حضرات ایادی امرالله علمداران جهاد روحانی  
جهانی در اسفار تبلیغی و دامنه دار خود در اقطار شاسعه  
جهان با اقدامات وسیع تبلیغی و ملاقات‌های شایسته با سران  
و شخصیت‌های مهمه ممالک مختلفه و ایراد نطق و خطابه  
و انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیویی و تلویزیونی در معرفی  
دیانت بهائی و بالاخره تشویق محافل روحانیه و بیروان آیین  
نازنین یزدانی بقیام خدمات وسیعه تبلیغیه و اجرای اهداف  
نقشه بدیعی که در رأس آن تبلیغ جمهورناس و اعلان عمومی  
امر حضرت بهاء الله به روسا و شخصیت‌های برجسته ممالک  
و قبائل و املاً "تکثیر مراکز امریه و جماعات بهائی و تاسیس محافل  
روحانیه محلیه و ملیه بود سهم شایسته‌ای ایفا فرمودند .

هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و هیئت‌های معاونت در سیسیر  
و سفرهای تشویقی و تبلیغی در قارات مختلفه و مشاوره و تبادل نظر  
با محافل روحانیه ملیه که مسئولین اجرایی نقشه نه ساله هستند  
و هدایت و تشویق احبای الهی در اجرای وظایف خطیر روحانیه  
و تحقق اهداف معینه نقش مؤثری داشته اند .

محافل روحانیه ملیه و لجنات مهاجرت قارات و ملی  
در سراسر عالم در اداره امور این نقشه و تحقق اهداف باقیمانده  
چنان حرکت و قیامی جدید و شور و نشوری بدیع از خویش بنمونه  
ظهور رسانیدند که تحت راهنمایی آنان قوای تازه نفس بیشتر و  
مجهزتری وارد میدان خدمت گردید و منیه معنوی و مادی جوامع

نظری  
به  
نقشه  
سه  
پنجمین  
سال  
نقشه  
نه  
ساله

از: امیر فرنگ ایانی

بهائی و موسسات اداری دائم الاتساع امرالله در قارات و ممالک تحکیم و تقویتی بیش از پیش یافت .

حرکت و استقرار مهاجرین عزیز در ممالک اهداف و سیر و سفر مستمر مشوقین و مبلغین سیار بین المللی و اجرای طرحهای تبلیغی موجبات تبلیغ دسته جمعی نفوس و قبائل مختلفه را بظن شریعه ربانیه بیش از پیش تسهیل نمود .

این نهضت عمومی تبلیغی در سراسر عالم در هر جسا بنوعی جلوه کرد و اثرات ثمر بخش خویش را ظاهر ساخت . نمایندگان محافل ملیه با تسلیم کتاب الواح ملوک و آثار دیگر به شخصیت های برجسته کشورها و اعضای پارلمانی و شهرداران و اعضای انجمن های شهر و روسای مذمبی و قبائل امرالهی را ابلاغ نمودند و این نفوس محترمه عموماً " از تعالیم الهی تعجب نمودند و از اقدامیکه بهائیان در زمینه استقرار صلح و اتحاد ملل معمول میدارند ستایش کردند .

احبای عزیز الهی با گذاردن کتب و نشریات امری در کتابخانه ها و محلهای مناسب دیگر و تشکیل نمایشگاه های کتب امری و توزیع کتب و جزوات امری در سطح بسیار وسیع گام دیگری در بسبیل انتشار امرالله برداشتند که بعنوان نمونه میتوان توزیع یا نصد هزار جزوه امری را در نمایشگاه جهانی از آکا ( ژاپون ) که بزرگترین نمایشگاه بین المللی بود تسلیم برد و این اقدام از نظر توزیع آثار امری در تاریخ امری سابقه بوده است .

انتشار امرالله از طریق نوشتن مقالات مؤثر در مجلات و روزنامه ها و معرفی میان تعالیم و تاریخ امروصلای عام از رادیوها و تلویزیونهای غالب ممالک و با از طریق مشارکت یاران در مجامع مختلفه چون جشن سازمان ملل و جشنهای روز ملل - روز حقوق بشر - روز جهانی دیانست - جلسات دعا برای صلح و جشنهای ملی برخی از ممالک که رسماً از نمایندگان بهائی دعوت نموده اند و همچنین شرکت در فرستیهالهای عمومی - نمایشگاههای محلی - کنفرانسهای مطبوعاتی و با شرکت دادن نفوس مستعد در مدارس تابستانه و زمستانه بهائی و مدارس آخرفهفته و اعلان امر در دانشگاهها و جلسات خاص و قیام گروهی از جوانان ( بنام گروه مطالع

الانوار ) جهت معرفی امر از طریق احزاب برنامه های موسیقی و تشکیل نمایشگاههای هنری از طرف بهائیان در برخی از ممالک و با اخره ابلاغ امر از طریق توفیق مراسمات در رصد و قهای بستی و امثالها که نمونه های دیگری از وق و ابتکار یاران در انتشار امرالله در ممالک مختلفه جهان بوده است . ثمرات این همه فعالیتهای وسیعه تبلیغی دخول دستجات متنوعه از ملل و اقوام مختلفه در ظل امرالله است که بعنوان نمونه و مثال شواهدی ذکر میشود .

در ویتنام در ماه مارچ ۱۹۷۰ تعداد صدقین به ۹۰۰ نفر بالغ شده و امر تبلیغ بسرعت در بین قبایل کوهستانی پیشرفت و گسترش یافته و در طی سال قبل تعداد صدقین از ۲ هزار نفر تجاوز نموده است . در آکوادور ( امریکای جنوبی ) تبلیغ دسته جمعی در میان بیومیان بسرعت پیش میرود و تعداد صدقین که در رضوان ۲۷ به ۱۰۰۰ نفر رسیده بود طی آخرین اطلاع واصله از ۳۰۰۰ نفر تجاوز نموده است .

در روز و ژانویه تعداد یک هزار نفر با امرالله اقبال نموده اند تعداد اقبال کنندگان با امرالهی در قاره امریکای لاتین از ۳۰۰۰ نفر تجاوز نموده است در جزیره چاگوس ۵۰۰ نفر در کشور بلیز ۱۰۰۰ نفر با امرالله اقبال نموده اند در هندوستان تعداد احبای از ۳۵۰۰۰ نفر تجاوز نموده که ۴۵۰۰۰ صدقین حال جاری بوده است و امر تبلیغ دسته جمعی در ایالات متحده امریکای شمالی متجاوز از ۳۰۰۰ نفر با امرالله اقبال کرده اند که از این عده تعداد ۸۰۰۰ نفر در اثر مساعی ۶ هفته حاصل شده است .

در سایر ممالک امریکای لاتین و ممالک افریقای و کشورهای جنوب شرق آسیا مرتباً دستجات و قبائل مختلفه با تعداد قابل ملاحظه ای در ظل امرالله وارد میشوند که بر عایت جانب اختصار از ذکر جزئیات خود داری میگذرد .

تبلیغ نفوس و افزایش تعداد احبای در جامعه جهانی بهائی موجب توسعه روز افزون مراکز امریه و محافل روحانیه محلیه و ملیه و پیشرفت قابل ملاحظه ای در اجرای اهداف نقشه نه ساله گردیده است بطوریکه ملاحظه میشود متجاوز از ۳ محفل ملی اهداف خود را انجام داده اند

از پیش سخن فرست که فاضل صلی جناب احمد یزدانی اقدام محسم امری را آغاز کرده اند که از هر حیث در خور توجه و ستایش است . این اقدام عبارت  
از تجزیه الواح آثار مبارکه و جمع آوری مطالب مشابه زیر عنوان و موضوعات متین و مشخص برای آشنائی خوانندگان محترم با طرز کار جناب یزدانی  
مستفانی آثار مبارکه را که در ذیل موضوع بیت و ششم « دلائل و پراهرین عقلی و نقلی » آمده است در این مقام نقل نمایم و ادامه خدمت و توفیق  
آن جنس صلی را در این سبیل آرزو مندیم .

• آهنگ بدیع

# تجزیه الواح

احمد یزدانی

● صفحه ۲۲۳ - ای بیهوشان خمر جهل و غفلت  
تا کی در ظلمات سالکید و سهوای نفس عامل دل از تعبدات  
بشریه بردارید و مقر سلطان احدیه ناظر شوید که شاید  
بقام اعرفوا الله بالله وارد گردید و از چون و چرا فارغ آئید  
از شمس سوال ننمائید که است چیست و دلیل ضیانت  
چه ای بی بصردلیل اشراقش و مرهان ضیانتش  
ضیانتش بود و خواهد بود .

● صفحه ۲۵۲ - بر هر ذی بصری الیوم لازم که قلب  
را از کل اشارات و دلالات و اسماء مقدس نماید و نفس ظهور  
و مایظهر من عند ه ناظر باشد و کل باین مامور شد و اند در میان  
چه که اسماء و از کار کل خلق اموود و خواهند بود .

● صفحه ۴۵۲ - ۲۵۳ - ظلی فوق آن مشاهده  
نمیشود که از ظهور حق نفسی دلیل و مرهان من غیر ما ظاهر من  
عند ه و نزل من لدن ه طلب نماید بحق ناظر شوید اگر آن حجتی  
که بآن اثبات حجت نقطه اولیه شده مشاهده شد  
و من لدی الله ظاهر گشت دیگر مجال توقف نه در این صورت  
هیچ عذری از احدی مسموع نبوده و نخواهد بود ولی بکلمات  
اولین و آخرین متمسک شود و مستدل گردد که بین الله  
امره ان انتم تلقهون .

از کتاب مائده آسمانی جلد دوم « لوح سراج »

صفحه ۲۳ - قسم به آفتاب عز قدس تجرید که  
این ظهور اعظم ان است که بدلیل محتاج باشد و با به  
برهان منوط گردد قل ان دلیل ظهوره و حجه نفسه و وجوه  
اثباته و مرهانه قیامه بین السموات و الارض فی ایام التسی  
فیها اضطرت کل من فی ملکوت الامر و الخق اجمعین  
وان لن تقدرن ان تعرفنه بما فصلناک و فاعرفوه بما نزل من عنده  
و كذلك قدرکم فضلا من عند ه و انه لهو الفعالم القديم .

از کتاب بدیع چایی

صفحه ۹۸ - این است مقام یا من دل علی ذاته  
بذاته و همچنین مقام دلیله ایات و وجود اثباته و همچنین  
اعرفوا الله بالله چه که بر او جایز نیست که بغیر خود  
استدلال بر حقیقت خود نماید او نفس خود معروف بوده  
و خواهد بود و ما سواه با و معروف و نسبتهم الیه مفتخر  
از است میزان الهیه و صریط احدیه و شمس قد سیسه  
و حبر اعظم و کلمه اتم و رمز مستور و میت معمور و کتاب مسطور  
جمع باین میزان سنجیده میشوند و امذات خود کل بنفحه  
از او مبعوث و او نفس خود .



● صفحه ۳۴۷ - حق جل ذکرة اعظم واکرم وارحم از آن است که مظهر نفس خود را بفرستد و جمیع رابعرفان او که نفس عرفان الله است امر فرماید ومع ذلك حجتی بفرستد فوق ادراك ناس .

حق را بحق شناسند و بدون آن ناظر نه ای جواد تالله ظهوری بین هو؛ لا اعظم عن خلق السموات والارض وهن کل ماکان وما یکون ولكن العباد فی سکرانفسهم میتون .

● صفحه ۳۶۷ - فعل نفوسی که در سبیل این امر جان دادند و فعل هر یک در اثبات این ظهور ابداع امنح برهانی بود واضح و حجتی لائح بین السموات والارضین از جمله محبوب الشهدا جناب آقا سید اسمعیل زواره که بدست خود حبالهذالظهور سرفرد نمود و هیچ نفسی در زهد و تقوی و ورع و فضل و علم او الله منکر نبوده .

● صفحه ۲۶۸ - لا زال لسان عظمت ناطق ظهوری حجتی و نفسی برهانی و قدرتی دلیلی و قیامی بین السموات والارض لیکنی العالمین .

● صفحه ۳۷۲ - این نفس مبارک هم اسمعیل بوده و لیکن این اسمعیل از قربانگاه دست زنده برنگشت و جان در رهش ایثار نمود و فالله این فعل حجت است بر کل من فی السموات والارض .

● صفحه ۲۹۶ و ۲۹۷ - امر الله اظهر از آنست که محتاج بدلیل و برهان باشد چه که در کل احوال و ازمان ظاهر شده و آنچه فوق رتبه بشر بود و لذا عذر متوقفین عند الله مسموع نه و اگر ناس بخلق انصاف مزین شوند جمیع اذعان نمایند که بینة الهی و برهان عز صد انبی بکینونته ظاهر شد و چه مقدار عباد که بچشم خود خوارق عادتیه و ظهورات الهیه را مشاهده نمودند و لسانشان بصدح جمال رحمن ناطق بشانیکه اشعار لایحسی در مدحش انشاء نموده اند و مع ذلك بنحجابی که ابداء عند الله حکم وجود بر آن نشد و چنان محتجب گشته اند که جمیع را انکار نبوده و حال در بیداری ضلال سائرند و در رتبه غفلت و جهل سالک بشانیکه آنچه بیصبر خود دیده اند و قلب خود ادراک نموده اند از جمیع غافل شده و اندام یزول چنین بود و لایزال چنین خواهد بود و اگر در کل حین حق بحجت لائح مبین ظاهر شود هر آینه مشرکین را نفی حاصل نه چنانچه در کل اعصار از مظاهر نفس الله معجزات و خوارق عادات طلب نموده و هر وقت ظاهر شد اعراض معرضین و ناربخشایبشتر و مشتعل تر شد چنانچه شنیده اید .

### سورة الدم (بخزوه خطی جناب فیضی)

● صفحه ۳۹ - وقد خبثت عن منیع العظمة واجلال و مخزن الرفعة والاجلال بایات التي ما ظهرت حرف منها فی الطک وهد اللوح برهانی بینکم ولکم و طیکم ان کتم تعقلون .

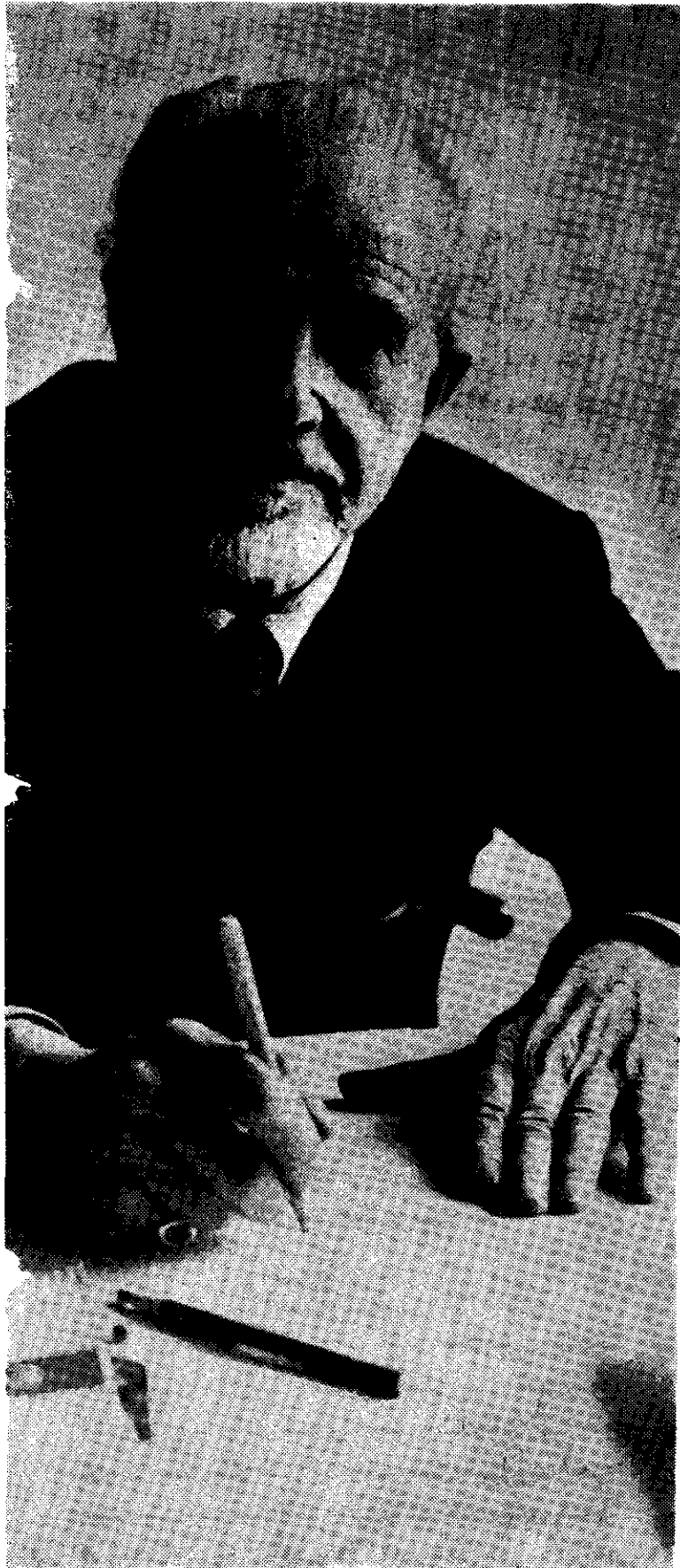
### کتاب خطی (لوح هادی)

● صفحه ۱۷۳ - قل یا ملاء الارض اما سمعتم بان دلیله آیاته و وجوده اثباته و هولن یحتاج بدلیل غیر ذاته و كذلك قدرنا الامر علی الواح عز حفیظ .

### کتاب خطی (لوح جواد)

● صفحه ۲۰۳ و ۲۰۲ - ای جواد ظهور بین احببا و قیام ما بین اعدا را باینکه کل رجل متزلزل بود و جمیع ایادی از سطوت ایام مرتعش حجتی بود واضح و اعظم از حجج اولین و آخرین لیکن الناس لمن المنصفین دلیل بر نفس جز ذلتم نبود و نخواهد بود و مقصود از آیات اثبات امر ما بین ناس که محتجب بوده اند بوده و الا شاربین خمر اصفی من کسریس

● صفحه ۳۸۹ - در جمیع کتب منزله و صحف متقنه بره خود را امر فرموده که حق را بنفس حق بشناسند و ما بظهور من عنده چه که بر هر عاقلی برهن و واضح است که لا زال از برای مظاهر حق اعدا بوده که بغیا علی الله تکلم نموده اند و ذیل عصمت اصفیا را بغبار فقریات آلوده اند چنانچه میفرماید و لکن نفس شیطان لذا باید هر نفسی در عرفان حق سمع و مصروف قلب را از ظنونات و حجیات و اشارات منزله نماید تا تجلیات انوار شمس معانی را از ظنونات انفس شیطانسی تمیزد و آثار حق بمثل وجود حق ظاهر شود و هر دو مشتمع و لائح



مطالبی که میخوانید از مجموعه ای انتخاب شده که

موزه " هنرمندان آمریکا تدوین و منتشر ساخته است

ویلیام سسی سائیتز

که خود عهده دار اداره

بخش نقاشی و مجسمه سازی این موزه است

به همکاری انستیتوی هنرشیکاگو

و موزه هنری گیلوند و عده ای از هنرشناسان و علاقمندان

به هنر ترویجی این کتاب را منتشر ساخته است

مقاله ذیل مختصری است از بسیار گفتنی‌ها درباره "

مارک توی و هنرش

اینها سخنانی است که منقدان پس از گشایش نمایشگاه

توی در موزه هنرهای تزئینی پاریس سال ۱۹۶۱ ابراز داشتند

یک منقد فرانسوی " توی شاید مهم‌ترین نقاش عصر ما باشد "

یک منقد انگلیسی " توی ... پیشرفته ترین هنرمند

فعلی آمریکا است "

# آشنایی

با

# مارک توبی

## نقاش و معاصر آمریکایی

WILLIAM C SEITZ

ترجمه و اقتباس از هنرمند فائزه محمد (صدیق)

نقش بی بند و مهر لحظه در او احساسی دیگر رنگ میگیرد. در حقیقت تونی اثر هر احساسی را ضبط کرده در تابلوهایش منعکس میسازد. علاوه بر نقاشی به شعر و موسیقی علاقمند است و هرگاه خسته است بیانی بی نوازند و آنگاه فرصت مییابد افکارش را از قالب احساس به قالب تصویر آورند.



### معنویت در هنر تونی

ایمان تونی در ۱۹۱۸ به امر بهائی باعث تغییر شگرف در روحیه او گشت و محتوای هنر او واغنی تر ساخت. گرچه ما او را یک "هنرمند بهائی" می شناسیم اما خودش معتقد است پیش از آنکه یک هنرمند باشد یک بهائی است. دیانت بهائی زندگی معنوی را متاثر میسازد. فضای زندگی او را سرشار میکند و افکارش شکل میدهد. دیانت را در هنر او میتوان درخشند آهسته قبلی و بیگانه به او رسیدنش متجلی دید.

مادی روحانی دیانت بهائی چون صلح عمومی - وحدت و یگانگی استفاضه از فیوضات روح القدس باوقدرت میدهد که خود را از حد زادگاه خویش بیرون کشیده دنیائی شود نفوذ این عقاید در نقاشیهای او خمی پیدا است. میگوید:

معتقدم که مادر دوره دنیائی شدن قرار دارم اگر طالب صلح جهانی باشیم درک و آشنائی عمیق از همه عقاید و زیباییهای دنیا جز ضروریات است

نقاشی چنان با زندگی آمیخته که جز آن کاری برای خود نمی شناسد. به همین سبب پیشنهادی را که برای تدریس در دانشگاه دریافت نمود رد کرد چون میل نداشت در راهی قدم بگذارد که احتمالاً به ترک هنرش منجر گردد. از ازدحام و همهمه شهرهای بزرگ بیزار است با اینحال هیچ نقاشی بهتر از او این همهمه و آشفتگی را درک و تصویر نکرده است. در خیابانهای برازدهام نیویورک - باریس - هنگ کنگ یا سیاتل چنان غرق محیط است که بیننده را مجذوب میکند. احساس زنده او نسبت به رهگذران بناها - هوا و سر و صدای صورتش

آمریکائی است از نسل انگلیسی سال ۱۸۹۰ در ایالت مسکانسی (۱) امریکای نیوآدمه و در سیاتل زندگی میکند. در ۱۹۱۸ هنگامی که ۲۸ ساله بود به امربارک مومن شد و هشت سال بعد بزیارت مرکز جهانی بهائی مفتخر گردید. نقاشی را در جوانی آغاز کرد اما شکستگی هنرش مربوط به دوران پس از ایمان و نتیجه این تحول است. در ۱۹۵۸ موفق به دریافت جایزه اول نقاشی در بیست و چهارمین بی نیال و نیز گردید. پس از جیمز - ام - ویلسون (برنده دو جایزه ۱۸۹۵ و ۱۹۰۵ - بی نیال و نیز) او تنها آمریکائی است که این افتخار بین المللی را کسب نموده است.

زیرا که ایده هائی که بشریت خلق میکند در حال تبادل و ترکیب است ما اولین کسانی هستیم که باین مسئله پی برده ایم .  
نتیجه \* برخورد بدیده هائی چون دین و علم - شرق و غرب - ماده و معنا اورا به توازنی در هنر کشانده گسه خود معتقد است لازمه تحرك و پیشرفت میباشد . انگیزه های معنوی در توسی اثری بسیار قوی تر از عوامل فیزیکی بجای میگذارد - تم های آبستره را در روحانیات جستجو میکند و باین ترتیب چگونگی در آمیختن هنر و دیانت را توجیه مینماید . " روح بشری در هنر مجسم میشود و ایمان قوای معنوی روح را توسعه میدهد - در عصر ما شین هنر منسند کسی است که نظریات و عقایدش را بر اساس عوامل غیر محسوس روحانی مبتنی گردد . " بر اساس این طرز تفکر همیشه در پی آن بوده است که وجودش را که محاط در دنیای

ماشینی و علم است با دیانت متعالی سازد . دیانت قلبش را آرامش دهد و علم فکرش را بارور میسازد . اعتقاد اود درباره آثار و نقش های مذهبی چنین است :

" آنچه در گذشته بنام هنر مذهبی نامیده میشد نقوشی است فرمایشی محصور در چهارچوب معتقدات و خواسته های روحانیون . حال آنکه هنر در دیانت بهائی آزاد شده و مستقل از این نوع آموزش است .

اگر آثار مذهبی تویی که در اروپا طرح شده متاثر از آثار معماری و فرهنگ ایتالیا بیزانتین (۴) و ایگون (۵) است . توتم (۶) ها و آثار رومیان و قبایل بدوی ایده بخش موضوع و فرم نقاشی های او است . ضمنا " از او میتوان بعنوان يك جمع آورنده آثار هنری وی نام برد .

بعضی ایده های او از خاور نزدیک خاور میانه و خط نویسی و تزئینات خاور و در ورواستیل های بدوی که حاوی علامات گرافیکی مشابه فرمهای قرن بیستم هستند گرفته شده . بعنوان مثال میتوان از تصاویر مصری - خط میخی - نوشته های عبری - نقش و پارچه های قدیمی و نقاشیهای -

استرالیائی - عربی و ایرانی نام برد . تویی از این منابع بهمراه تابلوهای اعلانات - علامات خیابانها - نشونها - سبلیهای

علمی علامات گرافیکی جدید و تاثیرات غیر منتظره مجلات تصویری و فتوگرافی صفحات کتب قدیمی و طبیعت اصیل ملهم میشود .

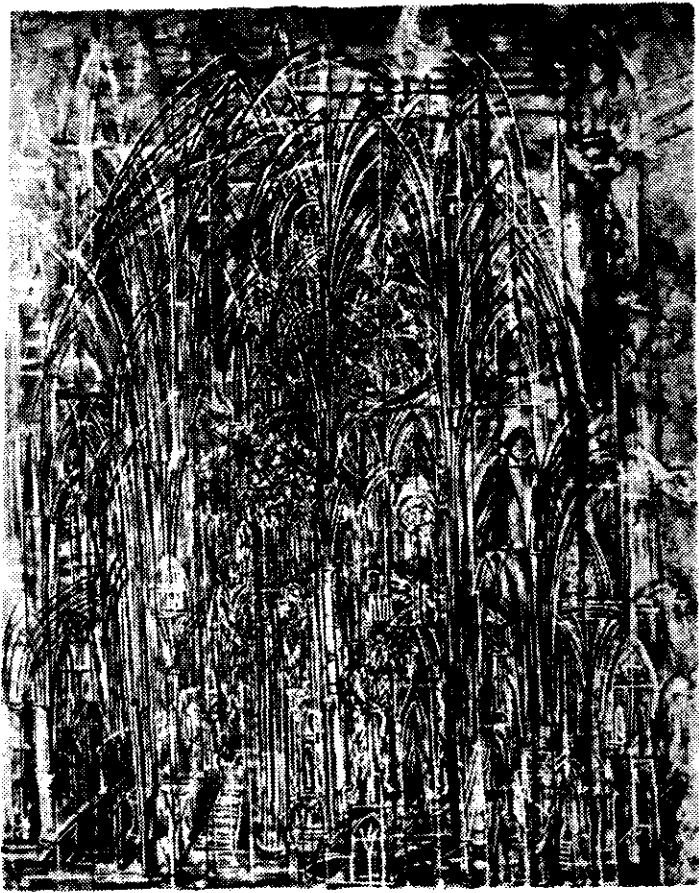
هنر تویی با تصاویر ایده آلیستی رنسانس آغاز گردیده به هنرهای اصل شرق گرایش یافت و با آنکه به ندرت مقتبس از هنر نقطه ای بخصوص است تاثیر چین و ژاپن را در او نمیتوان نادیده گرفت زیرا در سبزه گیری و تاثیر پذیری از هنر هیچ ملتی تعصب ندارد و معتقد است که نفوذ اثر در شخص مستقیم و بدون خواسته اوصورت میگیرد . اگر اثر قوی باشد ناگزیر تاثیر میگذارد .

مشخصات و طرز کار

نقاشیهای تویی اغلب کوچک و شاید کوچکتر از قطع يك ورق کاغذ است با آب رنگ و تمپیرا کار میکند و کارش بسیار شفاف و ملایم است - ضربه های قلم مودر سطح اثر

MOONSHIN 1  
MOONSHIN 2

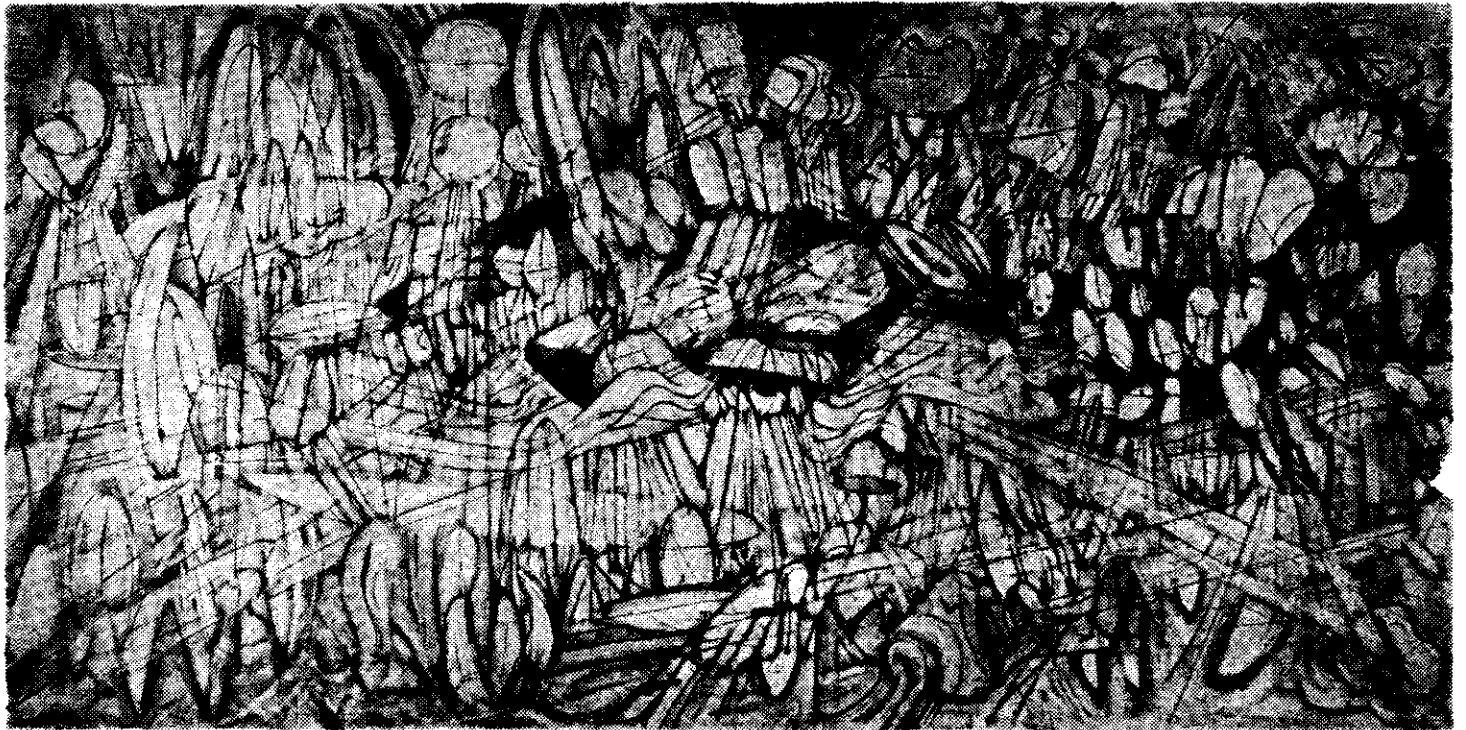
James AbbotteNeill Whistler



گوتیک — 1945



رنبہا — 195۵



منظرہ — 1958

چنانچه ظریف است که به تار عنکبوت میماند و پایه دودی که از سیگار برخاسته - تعمق در آثارش چشم و فکر را بسوی دنیای از فرم - فضا و معنی سوق میدهد و ناگهان کوچکترین کار سه اثر بزرگی در زرقا عبق و مهنا تبدیل میشود - این تفاوت اندازه و معنی اثر و اندازه - بالقوه - آن وجه تمایز توی از سایر نقاشان هم عصر او است .

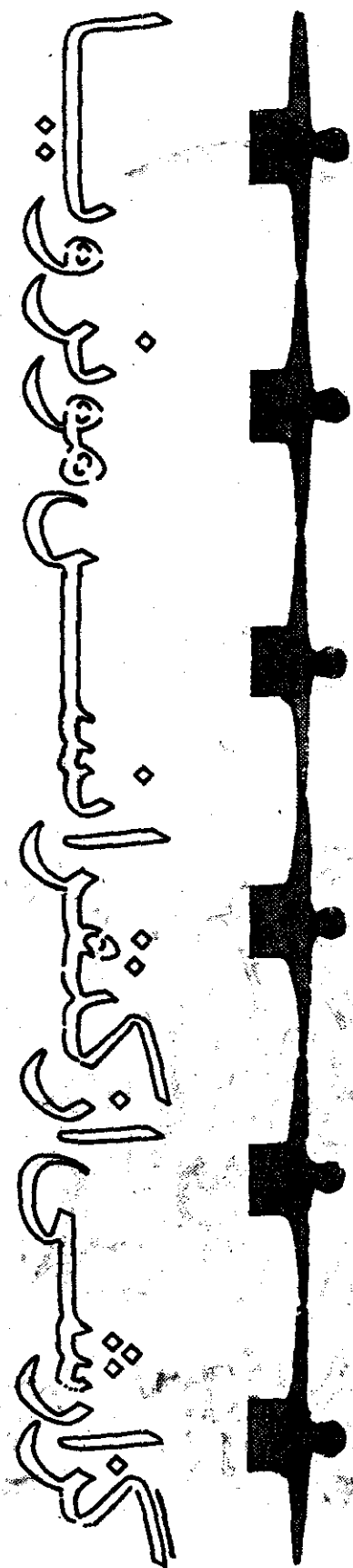
نقشهای غیر فیگوراتیف در کارهای او بسیارند . در اشارات قلم و کشش خطوط چنان مهارتی دارد که آنرا جایگزین شکل - رنگ و محل میکند . ذهنیات او در کار منعکس است و بیننده با تعمق آنرا در مییابد . مارك میگویند " کافی نیست که تابلویی را به بینیم بلکه باید آنرا احساس کنیم "

تابلوهائی از تویی که متشکل از تصاویر خطی و نقشهای مرکب از طرح های خوشنویسی است او را به عالم شناسانانده و از مشخصات دیگر زبان تصویری شناخته شده او بازنماند و وسایه و فضاهای خالی است . خطوط چون با قلم موی کشیده میشوند بندرت تغییری در فرم دارند و آنکه در رنگ - سردستی کلی (۷) دوفی (۸) پولوک (۹) است خطوطش چون نگاتیف های عکاسی بیرنگ و مایل بسفید و در مقابل فوق کاملاً تاریک عقب قرار میگیرد .

تویی خط را سبلی از روشنائی روحانی - ارتباط بشسری و هجرت بی بیند و خط متحرک او نموداری از کویسم است . در تصاویری مانند " نیورک " که از مجموعه خطوط مستقیم شکل گرفته بدان میماند که صحنه ای را از میان هزاران سطح کف - بنجره و فضای شفاف بنگری - بطور کلی فضا در آثار تویی وجودی قابل احساس است . آثار او عبارتی دیگر است " است و فضا آنقدر زنده است که به حقیقت میتوان آنرا لمس کرد .

طرحهای بسیار مارك تویی از معماری - خیابانها و شهرها دارای دید پرسپکتیو يك نقطه ای و گاه دو نقطه ای است در توصیف اینگونه طرحهای او همین بس که اگر تویی فقط برادری را کشیده بود (که اکنون در رموزه مترپولیتسن نگه داری میشود) باز شاید برجسته ترین نقاش معاصر آمریکا بشمار میآمد .

- ۷ Klee
- ۸ DOPY
- ۹ Pollock



نقاشی تویی

کنفرانس مونروپاد لیبریای  
 افریقا از اول تا سوم ژانویه ۱۹۷۱ -  
 مطابق ۱ تا ۲۳ دیماه ۱۳۴۶ در حضور  
 حرم مبارک امه البها روحیه خسانم  
 و ایادی امرالله جناب دکتر مهاجر  
 نمایند و بیت العدل اعظم الهی با  
 شرکت ۶ نفر از مشاورین و نفراضا  
 هیات معاونت و ۲۳ نماینده محافل  
 ملیه و ۳۰ نفر از اجبا از ۳۷ کشور که  
 ۲۴ نفر آنها مهاجرین عزیز امرالله  
 در آن قاره وسیعه بودند بانها بحت  
 عظمت و شکوه تشکیل گردید .  
 شهر مونروپاد بعلت سال نومسیحی  
 بطرز زیبایی چراغانی شده بود و بر جمعی  
 بزرگ ۴۲ متری با عبارت ( کنفرانس  
 بهائی قاره ای مونروپا ) در افریقا  
 از ۱ تا ۳ ژانویه ۱۹۷۱ بالای عمارات  
 و ساختمانهای بزرگ در اهتزاز و شهر  
 را تزئین کرده بود و از فواصل دور جلب  
 توجه گنیه نفوسی را که در عبور و مرور  
 میکرد . حرم مبارک و جناب دکتر  
 مهاجر و نمایندگان کشورهای مختلف با  
 رنگها و نژادها و زبانهای گوناگون طی  
 بیانات شیرین و سخنان دلنشینی  
 نیازمند بهای مهاجرتی و تبلیغی جامعه  
 افریقا را تا خاتمه نقشه ۹ ساله بطور  
 مشروح بیان کردند و دلالات امه البها  
 روحیه خانم که توأم با مثل و حکایات  
 روحانی و تاثیر آسمانی بود کنفرانس را  
 بهشت برین و مرکز تائیدات رحمانیه  
 و سنوحت ربانیه نموده بود .  
 روز اول حضرت حرم مبارک حضرت  
 اعلی و جمال اقدس الهی حضرت  
 عبدالبها و حضرت ولی عزیز امرالله را  
 بنهایت اتقان توضیح فرمودند . راجع  
 بچگونگی تبلیغ فرمودند باید بسیار ساد

بطرز خطایات مبارکه حضرت عبدالبها  
 که چون آب صاف و گوارا و مثل گنمات  
 مسیح و سایر انبیاء است بتشریفات الله  
 و تبلیغ امرالله پرداخت . در مورد  
 افریقا و موفقیت های درخشان مسخره  
 در آن سرور بودند . راجع باندازه و تشکیلات  
 و محافل و جنات فرمودند تولید بشیوه  
 پارلمان اداره شود و وسیله نباید سبب  
 غفلت از مقصد اصلی گردد زیرا مقصد مهم  
 است هیکل مبارک ۳۶ سال اساس  
 تشکیلات را محکم فرمودند تا حصول نتیجه  
 و وصول به مقصد تسریع گردد نه اینکه  
 تاخیر افتد مادری زمان شروع و انتشار امر  
 حضرت بهاء الله در سراسر عالم زندگی  
 میکنیم نباید دقیقه تلف شود .  
 روز دوم پس از تلاوت مناجات بچند زبان  
 تلگرافی حاکی از تشکیل کنفرانس بارجا  
 و دعا بساحت منبع دیوان عدل اعظم  
 الهی و بیای نیز کنفرانس سنگاپور مخابره  
 گردید در این موقع نماینده سازمان ملل  
 متحد و لیبری با جلسه کنفرانس وارد و  
 مورد عنایت خاص حضرت حرم و استقبال  
 شرکت کنندگان واقع گردید و اظهار داشت  
 بسیاری از سیامیون و کشورها بقدرت سازمان  
 ملل اعتماد ندارند و آنرا نمیشناسند  
 لکن دیانت بهائی افکار و عقایدش مساعد  
 و معاضد اهداف سازمان ملل است و عمیقا  
 از اصول عقاید بهائی که منادی صلح و سلام  
 و اسباب راحت و آسایش انام است  
 تمجید و تعریف نمود . سپس معاون رئیس  
 جمهور در آن مجمع نور احاضر و ضمن اظهار  
 خوش آمد از طرف رئیس جمهور حضار  
 از مبارک و مقاصد دیانت بهائی تجلیل  
 نمود و اظهار امیدواری کرد که تعالیم مشتهر  
 بهاء الله بزودی در عالم مستقر گردد و از  
 اینکه این کنفرانس تاریخی در مونروپا برپا

شده است ابراز مسرت نمود و اظهار  
 داشت در انجام هرگونه خدمتی  
 حاضر و مفتخر است و ضمن گفتار خود  
 اضافه نمود خداوند شما بهائیان  
 را مامور کرده تا بتحقق صلح و محبت  
 و حسن تفاهم در بین امم کمک کنید .  
 حرم مبارک این نطق شیوا و فصیح  
 و دلپذیر را عمیقا تقدیر فرمودند سپس  
 فیلم و عکس گرفته شد .  
 شهردار مونروپا که از اجلسه نسبا  
 لیبری بود غروب روز دوم در جلسه  
 کنفرانس شرکت کرد و ضمن عرض خیر  
 مقدم از تمام اجبا برای شرکت در  
 ضیافت مجللی که غروب روز سوم  
 در عمارت زیبای شهرداری برپا  
 می شد دعوت نمود و بانها بحت  
 خوشرویی پذیرائی مفصل و مجلل شد .  
 حرم مبارک که قبلا راجع بامسیر  
 مبارک مصاحبه رادیویی و تلویزیونی  
 داشتند شب آخر هم با خبرنگاران  
 جزاید مصاحبه مطبوعاتی راجع بتعالیم  
 دیانت بهائی و رفع تعصبات نژادی  
 فرمودند که شرح و عکس آن در روزنامه  
 یومیه لیبری استارد رج و نشر گردیده  
 است .  
 ایادی امرالله جناب دکتر مهاجر





عکس کنفرانس موسیقی



چترها را باید بست  
 زیراران باید رفت  
 فکرها را خاطره را زیراران باید برد .  
 با همه مردم شهر زیراران باید رفت .  
 دوست را زیراران باید دید .  
 عشق را زیراران باید جست .  
 زیراران باید بازی کرد .  
 زیراران باید شعر گفت حرف زد نیلوفر کاشت .  
 زندگی ترشدن پی در پی  
 زندگی آب تنی کردن در حوضچه امرواست .  
 رخت هارا بکنیم .  
 آب دریک قدمی است .

صدرا آب  
 سپهر



# مصاحبه با مهاجری از خرم

از: مهین پورحیئی

ابتد از خانم جنیدی درخواست نمودیم چگونه تصمیم و نحوه هجرت خوش را بیان دارند در جواب اظهار داشتند: بعد از بازگشت از برزیل با اتفاق چند خانواده بسیاری محفلی تشکیل دادیم و هدفمان تبلیغ بود ولی این محفل نتیجه مثبتی در بر نداشت در این احتفال افتخار آشنائی بیشتر با خانواده جناب صادق قزاق را برایمان حاصل شد هر دو خانواده آرزوی آن بود که یکی در راه خدمتش برداریم و چون قدرت مالیمان محدود بود لذا تصمیم گرفتیم که ابتدا ما زنان قیام به هجرت نمائیم کشور نیجرا را که جز مالک بکر آفرین بود انتخاب نمودیم و با اتفاق فرزندانمان آن دیار گشتیم در رد و ورود همگی به مرض مالاریا دچار گشتند و تنها پرستار این جمع من بودم و علت عدم دسترس به دکتر و دارو امید طفل ه ساله خانم صادق قزاق در همان روزهای

مجبوره مراجعت گشتند اما آرزوی هجرت و خدمت سبب گردید که دوباره پس از بررسی نقشه نه ساله کشور فرانسه زبان و مسلمان تهاب تیجرا را که تا آن زمان ندای امرالله به آن نرسیده بود جهت منظور خود انتخاب نموده و روانه آن دیار گردند. حال بهتر است نحوه فعالیتها، واقعات و موفقیتهای خانم جنیدی را از زبان خودشان بشنویم.

چه خوشبختند آنانکه او را شناخته و فارغ از این دنیا مادی بر عشقش دین و دل باخته با عزمی راسخ بیاخاستند و شتهها و صحراها را در نور دیدند و هر چند لب تشنه ای یافتند او را از این چشمه آب حیات سیراب ساختند. داستان اینان از هم زبان که بشنوی نامکرر است.

فتکوی امروز ما با خانم پورحیئی جنیدی مهاجر خرمی بیکر است.

این خانم که با اتفاق خانم صادق قزاق فاتحین کشور نیجرا می باشند تحصیلات عالییه را در رشته زبان عربی در دانشگاه طهران با تمام رسانیده مدت سه سال به همراه همسر خویش جناب محمد ابراهیم جنیدی که خود موفقیتتصدیق امر مبارک گردیده اند مهاجر برزیل بوده اند ولی بعلت گرفتاریهای مالی



۲۴ معلم که تنها ۴ نفر آنها خارجی بودند موفق به تصدیق امرگشته در بین این گروه یکی از معلمین پس از ایمان موفق به تبلیغ ۲ نفر دیگر گردید .  
 - نحوه تبلیغ در نیجر چگونه است ؟



اول درگذشت این واقعه سبب تسریع عزیمت جناب صادق زاده گشت گرچه مرگ امید موجب تاثر خاطر همه گردید ولی آرزوی پدر و مادر این طفل از درگاهش این بود که این قربانی را از آنان بیذیرد و از انجام اهداف محوله مدد و یاریمان نماید . در ابتدا چون زبان فرانسه خوب نمی دانستیم امید استخدام نداشتیم و در منزل شروع به خیاطی کردیم و با آگهی هایی که با دست می نوشتیم و به مردم میدادیم مشتری مختصری بدست آوردیم . اقدامات تبلیغی خود را در این نقطه بگرچگونه آغاز نمودید ؟  
 - ابتدا از یک معلم سیاه پوست درخواست نمودیم که به ما زبان فرانسه بیاموزد و ما "هد فمان" تبلیغ آن معلم بود لذا چند جزوه امری را که بزبان

فرانسه نوشته شده بسود موضوع درسی قرار دادیم تعالیم دوازده گانه ضروری توجه شدید این معلم قرار گرفت بطوریکه در جلسه سوم درسی که مصادف با ودلات حضرت بهاء الله بود امر مبارک را تصدیق نمود بعد از این موفقیت بسبب مراوده و معاشرت بسا همسایه ها و اطرافیان را بازنمودیم ابتدا ایایک خانواده کاتولیک مذ هب طرح دوستی ریختیم که بوسیله این خانواده موفق به ابلاغ کلمه بین سیاه بوستان خارجی مقیم پایتخت نیجر گشتیم که تعدادی از آنان مؤمن گشتند ولی هدف مانفوذ بین سیاه بوستان بومی بود و از آنجا که در این کشور مذ هب آزاد است و طبقه تحصیل کرده علاقمند به تحقیق می باشند در صد تبلیغ معلمین برآمدیم و بسا مسافرت هزار کیلومتری که جناب صادق زاده در عرض ۵ سال در سراسر نیجر انجام دادند قریب

- در نیجر هنوز تبلیغ دسته جمعی صورت نگرفته و همین علت مصدقین ما محدود می باشند برای تبلیغ در دهکدهات و قصبات چون تنها معلم ده است که زبان فرانسه می داند بوسیله او نزد رئیس ده میرویم رئیس قبیله ابتدا از ما می پرسد که آیا اسلام را قبول داریم یا خیر و وقتی جواب مثبت می شنود اجازه ابلاغ کلمه میدهد و خود معلم ترجمه سخنان مرا بعهده میگیرد . چون برای مردم عادی دست شستن از عقاید کهنه و قدیمی مشکل است اغلب معلمین و محصلین از این پیام الهی استقبال می کنند اخیرا " امر مبارک در دبیرستانها نفوذ بسیاری یافته بطوریکه در جلسه ای که با تعداد ۴ نفر تشکیل یافته بود ۹ مبتدی جوان شرکت داشتند و از این تعداد ۳ نفر موفق بتصدیق شدند در حال حاضر در نیامی ۵ نفر و در تمام

نیجر . ه ایبائی ۳ محفل روحانی ه مرکز جمعیت بهائی موجود وجود دارد البته تمام صدقین بهائیان عمیقی نیستند و لسی چون قلبشان به نور تعالیم الهی روشن گشته باکی صبر و حوصله و مداومت مانند گل پرورش می یابند .

— خانم جنیدی رئیس محفل ملی ۳ کشور داهویی — توگو و نیجر که هرسه خود کشورهای مستقل آفریقائی و دارای یک محفل ملی است می باشند و چون جلسات محفل د ر کتوتونو پایتخت داهومه تشکیل میگردد ایشان برای حضور در جلسا محفل هرماه هزار کیلومتر طی راه می نمایند . از حضورشان تقاضا نمودیم نحوه این مسافرت مداوم را بیان نمایند .

— د روز قبل از تشکیل محفل براه می افتم چون راه آهن و اتوبوس مسافری نیست قسمتی از راه را بعد از ساعتها انتظار با ماشینهای باربری — تفتکش یا استیشن و قسمت کوتاهی را پیاده طی می کنم تا به قطار برس و از آنجا که ماشینهای باربری برنامه معینی ندارند گاه ۲ یا ۳ روز این سفر بطول می انجامد و گاه وقتی به محل می رسیم که جلسات محفل نزدیک با تمام ا در بازگشت نیز همین برنامه تکرار میشود این سفرها سبب شده است که درین راه بحث های تبلیغی باراننده و مسافری در گیرد و از جمله کسانی که درین راه هدایت گشته اند ژاندارمی است که با سگاش نزدیک ایستگاه اتوبوس بین راه است و در این سفرها همیشه در کنار ایستگاه او منتظر وسیله می نشستم که این خود سبب گنجگویی و تصدیق او گردید و حالا این محل برایم بمنزله پناهگاهی درآمده است .

— بنظر شما بهترین عامل موفقیت چیست ؟

— برای مهاجرت اصل مهم تصمیم اولیه است و این تصمیم در درجه اول به عهد ه خانمهاست زیرا آقایان بعد از گرفتاریهای فراوان محیط خارج متوجه ازدست رفتن فرصت نیستند پس از تصمیم اقدام قطعا " انسان با مشکلاتی مواجهه میگردد ولی خداوند آنچنان استقامت و قدرتی عطا مینماید که براحتی از عهد ه \* مقابل و مبارزه با همه گونه مخاطرات برمیآید معنی تأیید این نیست که بلافاصله پس از حرکت هرگونه شدت و سختی بدل به راحتی و آسایش میگردد بلکه تأیید آن حالت تسلیم و رضاد برابر اراده ه \* غالبه الهی است . در هجرت دلخوشیهای انسان رنگ دیگری بخود میگیرد و بدش نسبت به زندگی عوض میشود اگر قبلا "علاقه به سینما داشته حال ترجیح میدهد در خانه بماند مباد اینکه يك بوی فقیس

در منزل را بکود و او را نیابد این خانه نشینی هرگز جنبه فدکاری ندارد شادی و دلخوشی او در اینست . يك خانواده مهاجر اهل هائیتی که بیش از ۷ سال از ایما نشان نمی گذرد قریب ۴ سال است که داهویی هجرت نموده اند فرانسوا شارل رئیس خانواده ه که مدرسه ای را با ۲ کلاس اداره مینماید همراه ۲۸ مرکزاد اطراف داهویی سرکشی می کند روزنامه محلی بكمك او چاپ و منتشر میشود برای اخذ رسمیت امر با حکومت در تماس است اغلب ضیافتها و محافل بهمت و باكمك او تشکیل میگردد و با وجود همه این فعالیت ها هرگز خسته نمیشود از یانی نشینند و مانند شعله آتش گری بخش هر محفلی است در نظر او آنچه مهم است و در درجه اول اهمیت قرار داد — پیشرفت امر است عشق جمال مبارک به این خانواده استغنا و قدرتی بخشیده که گاه شب بدون شام سر بر بالین می نهند ولی از بودجه مختصر خود ماشینی برای انجام مسافرت های تبلیغی و تشویقی ابتیاع نموده اند چه خوب و جاست آنانکه قادر به خدمتی در سبیلش هستند تا فرصت ازدست نرفته و تیر از دست بكمك این جانبازان بشتابند و آنان را که احتیاج مبرمی به كمك و همکاری سایر مجاهدان دارند یاری نمایند .

— چه خاطره جالبی را از این ه سال هجرت خود میتوانید برای ما بیان دارید .

— جالب ترین خاطره سفر یعنی حضرت حرم به کشور نیجر بود چون قبلا " این کشور در برنامه سفر ایشان منظور نگردیده بود وقتی تلگراف ورود حضرت حرم به نیجر به دست ما رسید از خوشحالی سر از یانی شناختیم روز موعود به استقبالشان شتافتیم ایشان که ۲ هزار کیلومتر راه را با اتفاق خانم نخجوانی بایک لند رور طی نموده بود ند بسیار خسته بنظر میرسید ند دید از حضرت حرم با آن چهره روحانی و ملکوتی روح تازه ای در کالبد ماد میداد مدت یک هفته ایشان در نیجر بودند و در طی این مدت بسا رئیس جمهور ملاقات نمودند و در رادیو ضمن مصاحبه ای هسندف از مسافرتشان رابه سراسر آفریقا بیان فرمودند وقتی از حضرت حرم سؤال نمودیم که به چه جهت برای طی این راه طولانی يك راننده استخدام نمی کنید و این زحمت را خود متحمل میشوید با تبسی فرمودند ممکن است من آدم بعد — بهائی بد و ایادی امرالله بدی باشم ولی راننده خوبی هستم سپس به خانم نخجوانی اشاره نموده متذکر شد ند که ویولنت هم خوب رانندگی می کند .

بسی لذت در اطاعت است آنان که در موقعیت کنونی ایران به مهاجرت داخله میروند اجرشان کمتر از کسانی نیست که در آفریقا یا هندوستان به انجام خدمت مشغولند همه ما در راه یک هدف گام بر میداریم ایران سرمشق و نمونه ایست برای کشورهای نظیر نیجریه که تازه امر مبارک در آنان نفوذ یافته و چه به جاست که موطن جمال مبارک با انجام اهداف داخله خود سرافراز و مفتخر باشد .



در خاتمه ضمن تشکر از قبول دعوت لجنه و آرزوی موفقیت در انجام خدمات امری از ایشان درخواست نمودیم چنانچه مطلب و بیانی ناگفته مانده بیان فرمایند .  
در جواب اظهار داشتند تنها مسئله ای که قبل از هجرت نگرانم میکرد تربیت فرزند ام بود تصور مینمودم که چون اینها در راه هدایت امرالله پرورش می یابند قطعا "بهایان عمیقی نخواهند شد ولی در طی این مدت آنان تحصیلات خود را بنحویه مطلوب و شایسته ادامه داده اند و از نظر فعالیت های امری نیز کاملاً موفقند با وجود آنکه در سیستم بیش از ۳۱ سال ندارند هر دو عضو لجنه ملی جوانان نیجریه و در هر فرصتی برای تبلیغ و تشویق به سفرهای کوتاه میروند و من خوشحالم که این نوجوانان در چنین سنینی مسئولیت را احساس مینمایند .

۱- عکس از مشرق الاذکار پاناما در حال ساختمان

۲- یکی از جلسات کنفرانس مونرویا



# اخبار مصور



بالا : نمایشگاه بهائی از مجمع حقوق بشر . تولسا  
اکلاهما . اکتبر ۱۹۷۰  
زیر : مشرق الاذکار با ناماد رجال ساختمان



بالا : گروهی از آجیای گرال آرژانتین امرابنحو  
جالبی معرفی مینمایند . این گروه ظسرف  
پنج ساعت توانستند برپه چهل نفر ابلاغ  
گله نمایند .

پائین : محفل روحانی ملی شمال شرق آسیا

پیشرفت کار بنای مشرق الاذکار با ناما



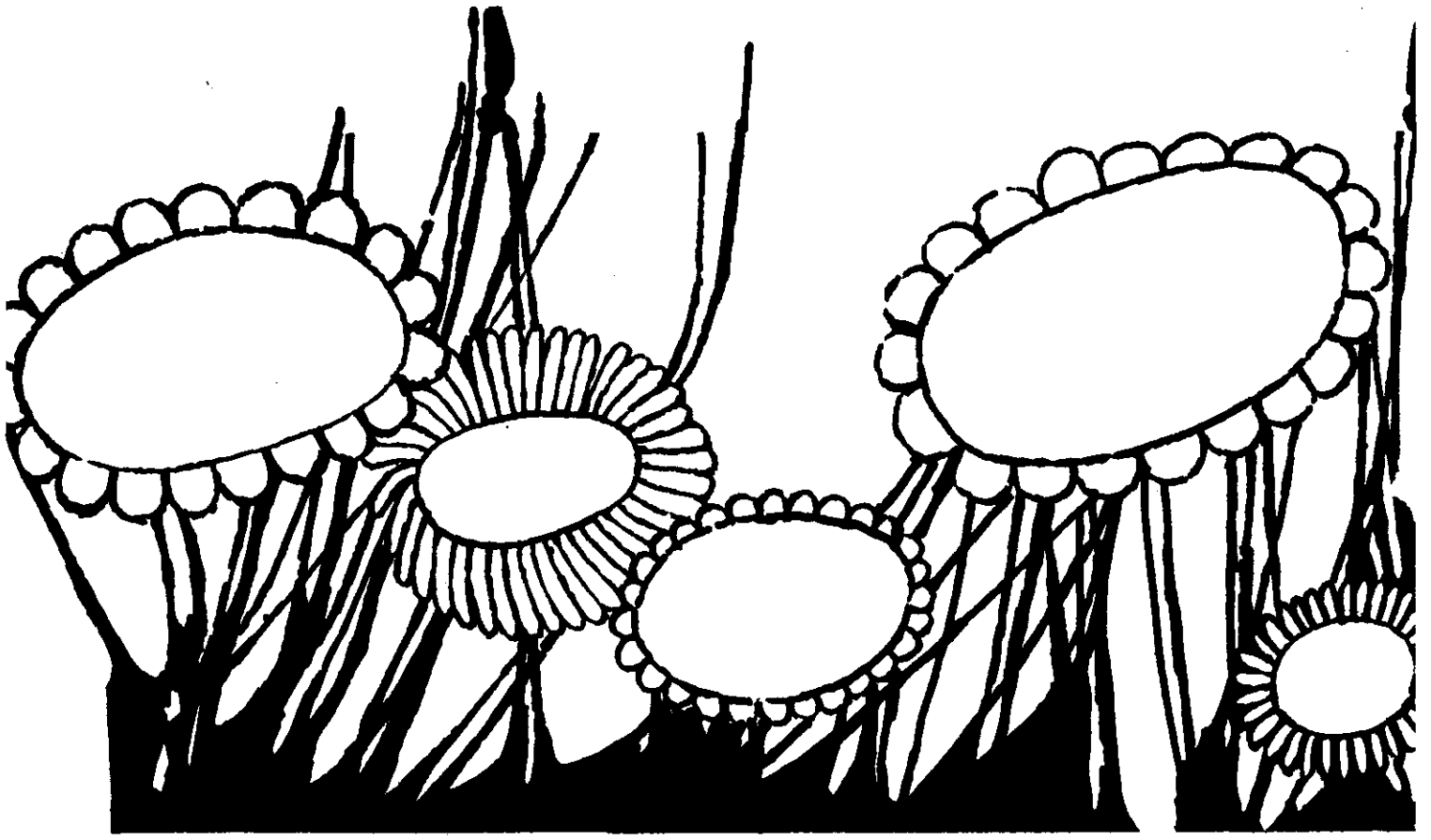
سینه‌های من  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم  
تا بهای که بدم

احمد نیکوثراد

تراکه توسن ایام رام و آرامست  
بران که روز میدان نهادن گامست  
براه نقشه نه ساله گوشتی واهند افش  
بهوش باش که اوقات رو با تمامست

شتاب کن که در این ره درنگ جایز نیست  
ز جای خیز و ماهداف رس که تا تو نمی  
شدند کار و اخاد می بین امرها  
براه دوست زدن پشت پانام و نشان  
به بین چه سرعتی اندر گذشت ایامست  
سعادتی اگر آرزوست او هامست  
دلا بکوش که خدمت نکرده ناگامست  
برای عاشق صادق نکوترین نامست

بود در آینه خورشید را تجلی خاص  
اگرچه پرتوفیضش جهانی وعامست  
کسی بمنزل مقصود می رسد فاضل  
که رهرویش ز آغاز تا بانجامست



دوماه است که خاک مقدس ایران را بقصد زیارت  
 احبای عزیزود وستان مهاجر فد اکا ترک کرده ام در این مدت  
 شاهد موفقیت های عظیمی بودم که قلم از کتایت وزبان از بیان  
 آن عاجز است باید دید وقضاوت کرد شعله های آتشی است  
 که از قلب پاک این مهاجرین عزیز تا آسمانها کشیده میشود  
 شعله که مثل آتش دلها را میسوزد و دنیا را منور میسازد  
 فریاد یابها، الابی واللہ ابی است که در غر شهرود بسیاری  
 بلند است هر کس بنحوی باعلائی کلمه اللہ مشغول است یکی  
 در موقع کار تبلیغ میکند - یکی در خیابان - یکی در ترن  
 ود دیگری در تاکسی یکی در مجلات و روزنامه ها امر را ستایش  
 میکند و یکی در راد یووتلو میزین داد سخن میدهد همه وهمه بخدمت  
 امر مشغولند جوانها بیداد میکنند حتی کودکان در مسد ارس  
 ابتدائی درین فرصت هستند تا چند کلمه در باره دیسانت  
 بهائی صحبت کنند بد نیست داستان شیرینی را برای شما  
 بیان کنم :

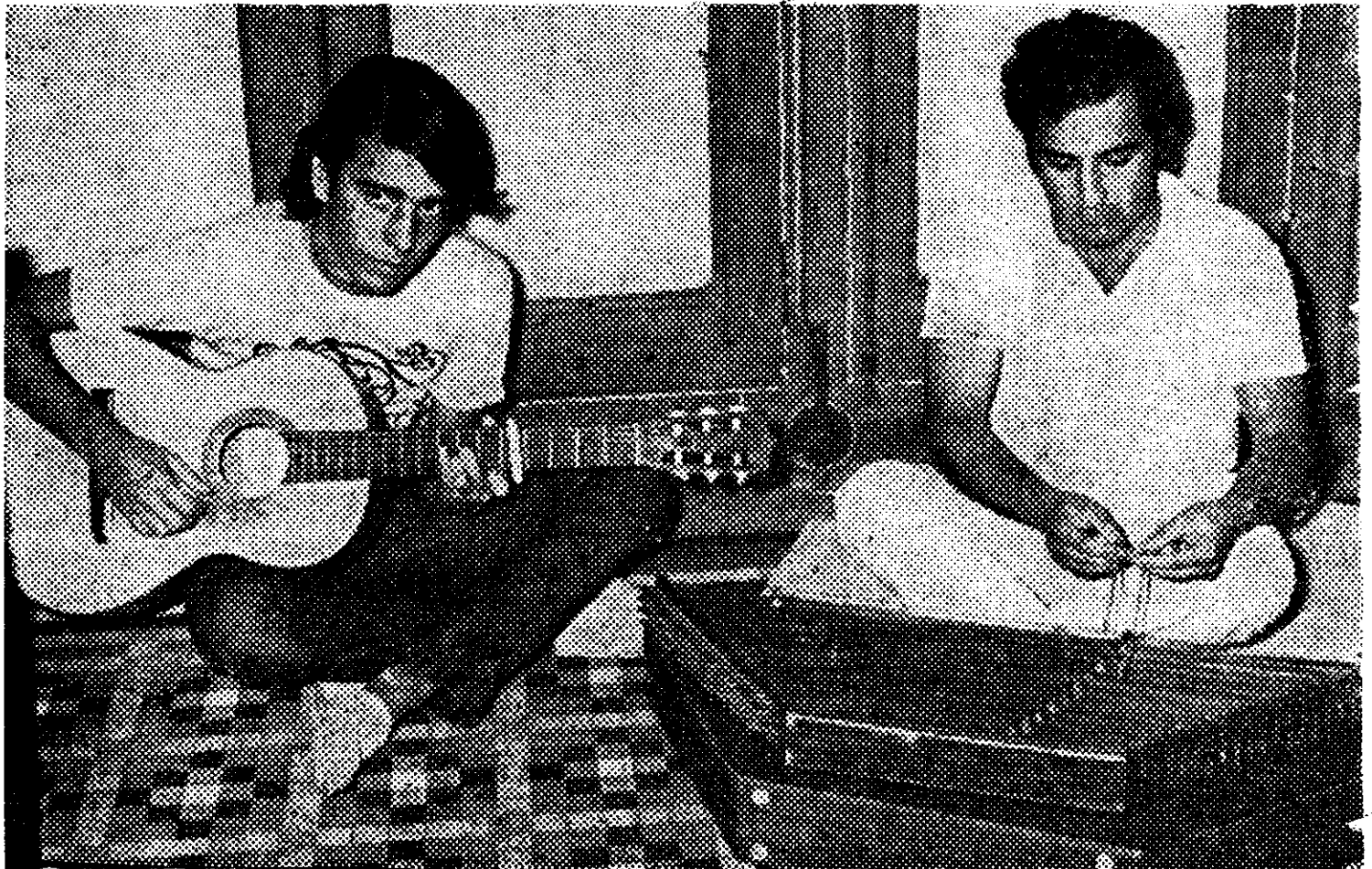


بعد از ملاقات احبای اسلامبول - آتن - اطریش - آلمان  
 وهلند بطرف بارسلن اسپانیا حرکت کردم در فرود گاه تاکسی  
 گرفتم تا بحظیره القدس بارسلن رفته بوسیله احبای عزیز همتلی

# کامل و پنچو KAMEL Y PANCHO

تهیه کنم و شما "بزیارت، آنها نیز موفق شوم راه بسیار زیادی بسود  
 شاید یکساعت در راه بودم باراننده تاکسی که مختصری بزرگ  
 انگلیسی آشنا بود از مردمی صحبت میکردم از همه جا و همه چیز  
 از گرانی و ارزانی قیمتها از کار و کاسبی از تورستها و هتلها  
 از زیبایی شهر اسپانیا - رادیوی تاکسی مشغول اجرای برنامه های  
 خود بود که ناگاه با کمال تعجب صدای ساز ایرانی ( سنتور )  
 بهمراهی سازهای دیگر بگوشم خورد اول تعجب کردم مثل اینکه  
 راننده بحالت من بی برد خواستم سؤال کنم که دیدم خود  
 راننده آغاز مطلب کرد و گفت این ساز خیلی طرفدار دارد اسم  
 آن سنتور است میگویند ۲۵۰۰ سال  
 قبل از میلاد مسیح وجود داشته و آن آهنگهای دلنوازی  
 میزنند که روح انسان پرواز میکند مخصوصا آنکه آنچه مینوازند  
 و میخوانند و میگویند برای ارشاد و راه حق و حقیقت است برای





برای اصلاح نوع انسان است برای ایجاد صلح و محبت و یگانگی است از گفته های او دم ن لرزد خوب گوش کردم گویانکه با سپانیولی اشعاری و کلماتی گفته میشد ولی معلوم بود ملهم از عنایات الهی است فهمیدم این کار کارشخص بهائی است خلاصه بقصد رسیدم از تاکسی پیاده شدم و بسطه حظیره القدس قدم گذاشتم جمعیتی بود هیچ کس را نشناختم فقط با کلمه \* الله ابی بآنها فهماندم که بهائی هستم همه غرق در نشاط و سرور خاصی بودند در جمع آنها جای گرفتم و بخوبی دریافتم که بآنچه میخواهم رسیده ام - جوانها جمع شده بودند که صدای سنتورد و ست خود را که توام با آیات و کلمات الهی است بشنوند جمع شده بودند تا صاحبه گویند ه راد یوتلووزیون را بانوازندگان ارکستر بشنوند از شدت سرور فریاد میزدند که نوازنده \* سنتور آقاسی کامل ایرانی و نوازنده گیتارینجوکه اهل شیلی است و وسیله

کامل با مرماریك استقبال نموده بود وارد شد ند صدای تبريك واحسنت از اطراف بلند شد آنها را در آغوش گرفتند روی دست بالا بردند خدا میداند چه احساساتی بود مهلت ندادند که منم باین دوجوان قهرمان تبريك بگویم تبريك من اشك من بود که بی اختیار بر گونه ها جاری شد مگر چه حکایتی است چه بساطی است حق با آنها بود در مملکتی که بار تعصبات از حد فزون است در مملکتی که تا چند سال قبل اعضای محفل روحانی راد رزنندان انداخته بودند . در مملکتی که اجتماعات بهائی قذفن بود در مملکتی که هیچکس جرات تبلیغ نداشت در مملکتی که مهاجری ایرانی و خانواده اش را بعزت تشکیل جلسه ای در منزلش بوضع دردناکی اخراج کرده بودند حال این دوجوان بهائی با ساز قدیمی خود با تکان عنایت و موهبت جمال مبارك در رادیو و تلویزیون علنا تبلیغ میکنند و السوا

ضمن بیاناتی گفتند در تبلیغ دسته جمعی بهمه احمالی توجه کنید نه برخی از آنها . . . در برما احمالی ده دیده نوکته  
بفارسی یعنی چشم بهائی شدند حضرت عبدالبها فرمودند آنجا چشم من است هرکس بآنها خدمت کند به من خدمت کرده سید مصطفی روی و مبلغین دیگر را با آنجا فرستادند ولی رفتن به محل و عبور از آنجا کافی نیست از هر طبقه اغنیاء و فقراء و جوانان دانشگاهی و تحصیل کرده باید تبلیغ شوند چه که در مستقبل ایام مصاد را مهمه خواهند شد . مستر مکسول که صبح روز سوم کفرانس را اداره میکرد و عضو هیئت مشاورین است صحبت خود را با ذکر حکایت آموزنده شروع کرد که یک مسیحی را بردند به بهشت پطرس دم در ایستاده بود او را اجازه ورود داد و ملائکه او را همه جابردند و تمام قصرها و منازل عالیه را نشان اودادند در مراجعت او را بگوشه حیاطی بردند وزیریک کلاه منزلگاه او را تعیین کردند با تعجب گفت این چیست شما که این همه اماکن عالیه وسیع و زیبا دارید چرا سهم من این شد با و گفتند آنچه تود آن در نیاد راه خدا دای مصالحش بیش از این نبود . بعد از این احباء حاضر در کفرانس هر یک بطیب خاطر جهت ترویج امرالله و نشر نجات الله در افریقا تبرعاتی کردند .

روز چهارم ژانویه مطابق ۱۴ دیماه ۱۳۴۹ بهمت جناب ثابت عموم احباء ایران در هتل دیورب صرف شام در محضر حرم مبارک و ایادی امرالله جناب دکتر مهاجر دعوت شدند . میزان محترم ضمن خیر مقدم از حرم مبارک و مدعوس تشکر کردند سپس حرم مبارک برای اولین بار نطقی بفارسی که شیرین تر از قند پارسی بود ایراد فرمودند و تذکر دادند استخوان انسان هر کجا خاک شود فرقی ندارد پس چرا در سبیل جمال قدم و در راه تبلیغ و خدمت در هجرت دور از وطن و دیار خاکسار نگرند سپس جناب دکتر مهاجر جمع احباء حاضر تذکر دادند که باید یاران رب قدیر و وظایف خطیر و قیام عاشقانه و اقدام جانانه نمایند . بعد از قطع شعری که نگارنده بحضور حضرت ولی عزیز امرالله تقدیم کرده بود و حال نزد حضرت امه البهائیه است توسط خانم اشرف مهاجر افریقا خوانده شد و در پایان این ناتوان بعد از تجلیل و اظهار احترام بحضور حرم مبارک از طرف ایرانیان عزیز که در آن ضیافت بودند عظمت آن شب تاریخی را بیان کرد و عکس دست حضرت عبدالبهائیه را بحضور حرم مبارک تقدیم نمود . فردای آن شب حرم مبارک و جناب دکتر مهاجر و جمعی از مسافری چون حواریین حضرت مسیح جهت ترویج امرالله به سراسر افریقا حرکت کردند .

و مناجات راتوام با موسیقی تلاوت مینمایند و در ضمن مصاحبه با گوینده راد یو و تلویزیون تعالیم دوازده گانه حضرت بهاء الله را توضیح داده و تشریح میکنند آیات حقیقتنا " جای تعجب نیست آیا کدام قلب حساس اینهمه موفقیت راهی بیند و اشک شوق نبی ریزد .

ساعتی گذشت و خلوت شد نزد کامل وینجور قتم ایشان را سیروشیدم و موسیدم و تبریک گفتم معلم شمس فعالیت آنها از طریق موسیقی یکی دو سال است ادامه دارد در اکثر شهرهای اسپانیاد عوت میشوند در محافل و مجالس امری و غیر امری در جماع دولتی و سالن های مختلف و تلویزیون عین این برنامه هارا اجرا میکنند .

چندی قبل بدعوت قبلی احبای پرتقال به لیمون رفتیم در آنجا موفقیت عجیبی کسب کرده بودند در تلویزیون لیمون برنامه " جالبی توام با مصاحبه انجام دادند که طرف توجه قرار گرفته بود کامل میگفت بعلت گرمای زیاد مریض و بستری شدم و نفرود گریه یادتم آوردند حلق و سوزن در ریافت نمیکردند و میگفتند تا کامل راد تلویزیون دیدیم اود گریه و حنایات است و ماد گریه حسانیات در این صورت دگر از دگر سوزنیت در ریافت نمیدارد این نوع تبلیغات علنی برای احبای پرتقال غیر قابل تصور بود اینست نتایج مهاجرت جوانان بهائی بخدا آنچه هست همین است بجوانانها گوئید به احباء بگویند حیف ازیک دقیقه عمر که صرف تبلیغ نشود قدری قدم راد ورتربگذارند و از نزدیک موفقیتهای احبای مهاجر را ملاحظه کنند .

بله کامل میثاقیان ۱۶ سال است از ایران دور شده يك اسپانیولی بتمام معنی است سال دیگر دانشگاه راتمام میکند میگوید باز هم آرام نمی نشینم و باکک گیتار دوستم پنجوورد ورد نیامیگردم و تبلیغ میکنم با صرار عکسها و روزنامه هائی را که بوسیله آنها اعلان امر شده است گرفتم و تقدیم میدارم .

آیاد انستن و شنیدن این داستان لذت بخش نبود .

نخواهی ظهورش را دلیل بر وجودش دانی و طلوعش را مدلول بر نفسش مشاهده نمائی و جمیع ممکنات را در قبضه قدرتش چون گف طین بینی و تمام موجودات را در دست قوتش مقدور و محدود ملاحظه کنی .

مجو

صفحه ۴۵۰ - در عرفان حق با حدی تمسك چه که آن سازح قدم بدون خود معروف نشد و نخواهد شد ابداً بتصدیق و تکذیب احدی منوط نبوده دلیلش نفسش بوده و برهانش آنچه از فضلش ظاهر فرموده و اگر بصر منیبر ملاحظه شود جمیع حرکات حق چه از قیام و قعود و نشی و سکون و بیان و سکوت ممتاز و مقدس از افعال کل من فی السموات والارض مشاهده شود لزال حق بدو نشی مشتبه نبوده و لکن شبهه در انفس و همیه بوده و خواهد بود .

صفحه ۵۶۳ - سلطان بقا از برای هرامری برهانی مقرر فرموده که نزد اولی البصر واضح و هوید است تا صاحبان افئده صافیه بان متمسک شده ملتفت بعضی سخنمهای لغو که ناشی از مظاهر شیطان میشود نشوند والا اگر جمیع حرفها بقول ختم شود و در تمام امور بزرگ لسان گهایت رود هرگز امر الله واضح و برهن نگرود و صبح هدایت طالع نیابد و ظلمت ضلالت زایل نشود .

است و لکن بعضی از نفوس با اشارات افکیه انفس کاذبه از توجه بمنظر اکبر و شطر اطهر محروم مانده اند .

صفحه ۳۹۳ - لازال مظاهر الهیه بحجتهای محکمه متقنه و برهین واضحه لائحہ ظاهر شده اند و مع ذلك در هر ظهور بر آن همی اکل مقدسه وارد شده آنچه قلم از ذکر آن عاجز و قاصر است بسیار تفکر لازم که سبب چه بوده و علت چه شده در السواح پاریسه که از قبل مخصوص ذوی القرب نازل شده مصالح و حکم ربانیه و سبب اعراض بریه از مظاهر احدیه بتفصیل مرقوم شده انجناب بایست بانصاف در آن السواح نظر فرمایند .

صفحه ۳۹۵ و ۳۹۶ - اگر نعوذ بالله از این امر نفسی اعراض نماید بچه حجت و دلیل اثبات امری مینماید لا والله من اعرض عن هذا الا مرفد اعرض عن النبیع والمرسلین کلهم اجمعین اگر قدرت جمیع دنیا در قلبی گذارده شود آیا قادر است بامری اتیان نماید که روسای ملت و دولت جمیع بر او اعتراض نمایند لا فوالذی انطقنی بثنائه بین العالمین احدی قادر نیست که حمل این بلایا نماید مگر نفسیکه من عند الله ظاهر شود و آخرت فکر نمائید که مقصود این . و نقطه اولی روح ما سواه فداه چه بوده و اگر نفسی بگوید دنیا بوده این بسی واضح است که چنین نفسی اجهل ناس است چه که هر نفسی طالب دنیا شود اول باید امری را عامل شود که وجود سالم بماند و بعد در تحصیل دنیا سعی نماید خود آنجناب مطلعند که آن وجود مبارک لازال در ایلا بوده تا آنکه بافق ابهی عروج فرمودند و احوالات این عبد هم معلوم است شنیده اید که چه مقدار ایلا و رزایا در کل آن وارد شده و حال هم در خطر عظیم .

صفحه ۴۴ و ۴۵ - و توای کنیز الهی بشنونغمات قدس صمدانی را تا از استماع آن روح القدس در قلبت مبعوث شود و روح الامین در صدرت ناطق گردد و چون باین مقام فائز شوی از عالم و عالمیان منقطع گردی و بمقرا عزا علی و منظر قدس ابهی متصاعد شوی و مقام اعرفو الله بالله که منتهی وطن عارفین و منتهی مقصد مقربین است فائز شوی در این مقام حجتی جز نفس دوست نبینی و برهانی جز جمال محبوب

۰۸۰ کشور اهدای محلی خویش را تمام کرده اند. تعداد مراکز امریه که در آوریل ۱۹۷۰ بالغ بر ۱۷۶۸ مرکز بوده در نیمه اول سال ۱۹۷۰ به ۳۳۴۱ رسیده و اکنون نیز از تعداد مذکور تجاوز نموده است.

رضوان ۲۷ شاهد تا سیس ۱۱ محفل روحانی ملی جدید که اعمده دیوان عدل اعظم الهی محسوبند بوده و بدین طریق تعداد محافل روحانیه ملیه به ۹۴ محفل بالغ گشت و زمینه تشکیل محافل ملیه دیگری در طی سالی که گذشت فراهم شد و در پایان هفتمین سال نقشه ۹ ساله یعنی رضوان ۳۴ جدید بیع تعداد ۷ محفل ملی جدید تا سیس خواهد شد و در نتیجه تعداد این محافل ملیه در رضوان آتیه به ۰۱ بالغ خواهد شد.

سالی که گذشت نظر بزم بسط و توسعه خدمات مشاوره موسسه هیئتهای مشاورین قاره ای و هیئت های مشاورت سه مشاور جدید در هیئت مشاورین غرب آسیا و هیئت مشاورین اروپا منصوب و ۴ عضو جدید به هیئت های مشاورت افریقا و آسیا و استرالیا و نیمکره غربی اضافه گشته است.

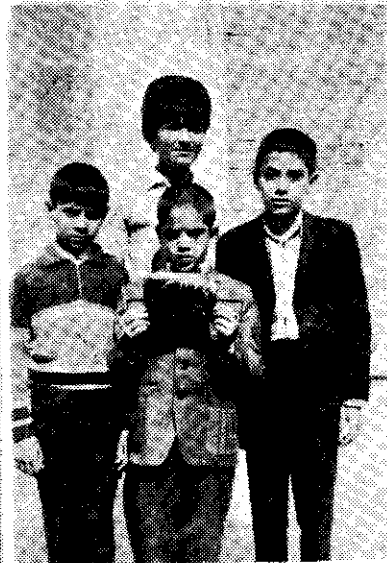
کنفرانسهای بین القارات و بین الجزایر در طی سال گذشته در مورس با شرکت ۸۰۰ نفر در لاپاز ( بولیویا ) با شرکت ۶۵۰ نفر در مونترها ( لیبیا ) با شرکت ۳۰۰ نفر در سنگاپور ( مالزی ) با شرکت ۵۰ نفر از اجدای مالک مختلفه جهان تشکیل گردید. هدف اساسی این کنفرانسها تجلیل و نیایش باستان جمال اقدس الهی و سیاس و شکرانه از حصول انتصارات و فتوحات باهره در سبیل پیشرفت اهداف نقشه بدیعه و تعیین خط مشی آینده یاران و تجهیز سپاهی از مبلغین جهت عزیمت بمیادین خدمت استقرار در ممالک اهداف بمنظور اتساع سریع دایره امرالله و انتصارات و فتوحات جدید و تمهید اساس برای توسعه و ترویج امرالله در آینده است. این کنفرانسها تأثیرات عمیق در اهالی و زمامداران کشورهای بخشیده و موجب مباهات و افتخاران آن که این کنفرانسها در ممالکشان تشکیل یافته گردیده و مآلاً سبب اعتلا و سر بلندی و اعلان امرالله در آن ممالک

و قارات شده است بالاخص که اهالی این کشورها از طریق مصاحبه های مطبوعاتی و جراید و رادیو و تلویزیون و سخنرانی یاران در مجامع و دانشگا همبنا و نحو شایسته ای با امر الهی آشنا گردیده اند.

در سالی که گذشت جامعه بهائی ناظر بيشرفت ساختمان مشرق الاذکار با ناما بودی ریزی بنا و ستونهای آن پایان پذیرفته و بتن ریزی ساختمان واسگت آهنی جناحهای اطراف در طی سال ادامه داشته و اینک حدود یک سوم بنا با موفقیت با تمام رسیده و ساختمان مراحل دیگر در جریان است.

جامعه جهانی بهائی که رسماً در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد عضویت پذیرفته شده بود روابط خویش را در طی سال گذشته با سازمان مذکور بسط و توسعه داده است.

در ایران با تشکیل لجنه ملی ولجنه های اگانسه منطقه ای نشر نفحات و مهاجرت گام جدیدی در پیشرفت نقشه های اهداف مهاجرتی داخله برداشته شد گرچه احبای ممتحن ایران در خدمات بین المللی و اجرای نقشه اهداف خارجه سهم شایسته ای ایفا نموده اند و اخیراً نیز بر اثر اقدامات مجدانه اعضای هیئت مشاورین قاره ای در غرب آسیا و هیئت مشاورت و توجه خاص محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران و محافل روحانیه محلیه ولجنات مسئول گامهای مؤثری در اجرای اهداف داخله برداشته شده است ولی همت یاران عزیز ایران که بایستی با اجرای اهداف باقیمانده داخله جامعه عمل پوشاند و جامعه بهائی ایران را در این امتحان و مصاف روحانی پیروز سر بلند سازد و افتخارات گذشته را حفظ نماید و افتخارات جدیدی بر آنها بیفزاید.



نویا و گان کلاسهای درس اخلاق  
زاهدان .

فهرست عمومی  
مندرجات سال بیست و نهم " آهنگ بدیع "

الف - آثار مبارکه

- |     |                   |  |
|-----|-------------------|--|
| ۲   | حضرت بهاء الله    | ۱ - قسمتی از لوح گل و لبلب   |
| ۶۸  | حضرت بهاء الله    | ۲ - زیارتنامه حضرت غصن الله الاطهر   |
| ۷۰  | حضرت ولی امر الله | ۳ - قسمتهائی از توفیق ۱۹۳۹/۱۲/۲۵<br>در باره انتقال رمسین                         |
| ۱۲۴ | حضرت عبد البها    | ۴ - لوح مبارك (بنام ياك يزدا ن شهریار<br>جهان آسمان . . .)                       |
| ۱۸۰ | حضرت عبد البها    | ۵ - لوح مبارك ( ای بهرام خوش کام . . . )   |
| ۱۸۱ | حضرت ولی امر الله | ۶ - قسمتی از لوح ۳۰ ک ۲ ۱۹۲۶<br>بعضی بشارات مبارکه در باره آینده عالم<br>بهائی . |
| ۲۲۸ | حضرت ولی امر الله | ۷ - قسمتی از لوح ۱۹۳۶/۲/۲۰   |
| ۲۷۸ | حضرت عبد البها    | ۸ - لوح مبارك (ای یاران مقصودا ز ا شراق . . .)                                   |
| ۳۰  |                   | ۹ - عکس لوح حضرت عبد البها با افتخار هوار د کلی ایواز                            |
| ۲۴۲ |                   | ۱۰ - عکس زیارتنامه اعتماد التجار ازیراعه حضرت عبد البها                          |

ب - دستخط های بیت العدل اعظم الهی

- |    |   |     |
|----|---|-----|
| ۷۶ | پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب بحافل ملی ۱۹۷۰/۳/۲۵ | ۱ - |
| ۹۴ | تلفاتی در باره کامیاب راجمند و شهرام دهناد        | ۲ - |

ج - دستخط حضرت ورقه علیا

۱۲۵

د - مقالات عمومی

- |     |                  |                             |
|-----|------------------|-----------------------------|
| ۷   | ع - ایدان قیان   | ۱ - ایثار و انقطاع          |
| ۱۲۹ | د کبرایح ایمن    | ۲ - اولین وظیفه مقدسه یاران |
| ۲۲۹ | ع - صادقیان      | ۳ - مؤثریم یا متأثر         |
| ۲۸۰ | امیر فرهنگایمانی | ۴ - نظری به هفتمین سال نقشه |

۱۳۲	فاضل مازندرانی	۱ - تحقیق درباره ریشه کلمه امر
۱۸۳	بدیع الله فرید	۲ - معرفی کتاب الوووح از آثار حضرت نقطه اولی
۲۳۲	دکتر محمد افغان	۳ - شناسائی مقام حضرت نقطه
۲۸۲	احمد یزدانی	۴ - تجزیه الواح

و - شرح حال و مقالات تاریخی

		۱ - یادداشت‌هایی درباره حیات و خدمات
۱۳	شایبورا سنخ	( جناب ابن ابیهر (۱) )
۸۸	" "	۲ - " " (۲)
۱۴۶	" "	۳ - " " (۳)
۱۸۶	" "	۴ - " " (۴)
۲۷	ابوالقاسم فیضی	۵ - شرح حال هواردگلی ایواز
۷۸	محمد علی ملک خسروی	۶ - میرزا مهدی غصن الله الاطهر
۱۳۸	تنظیم محمد علی فیضی	۷ - مصاحبه جناب میرزا محمود فروقی
۱۵۶	-	۸ - شرح حال جناب میرزا فرج الله فنائیان سنگسری
۱۹۸	فسریبزرزه صیبا	۹ - خاطرات جناب میرزا باقر خوش مشرب
۲۴۲		۱۰ - حضرت اعتماد التجار شهید
		۱۱ - آشنائی با مارک تویی (نقشاهای معاصر
۲۸۴	مهندس فائزه متحده	امریکائی بهائی )

ز - شعر

۱۹	ادیب بیضائی	۱ - عید گل
۲۶	دکتر توکل عنقائی	۲ - شه گل
۴۵	منوچهر طالقسانی	۳ - عشاق بهشت
۸۴	غلامرضا روحانی	۴ - شهادت
۱۰۵	زارع نصرآبادی	۵ - باده
۱۵۲	نیرو سینا	۶ - قطعه
۱۵۳	نبیل زرنادی	۷ - ای عشق
۲۰۱	محمود کیانوش	۸ - گفتنی بگویم
۲۰۶	طائر طهرانی	۹ - راحت دل
۲۴۰	سلمانی	۱۰ - هیاهوی تو
۲۴۱	عندلیب	۱۱ - بلبل و گل
۲۹۱	سهراب سپهری	۱۲ - صدای پای آب
۲۹۷	احمد نیکونژاد	۱۳ - درنگ جایز نیست

ح - معرفی کتاب

۴۲	بمعرفی بدیع الله فرید	۱ - اسرار الانار خصوصی
۱۰۶	۱ - خ	۲ - تذکره شعرای قرن اول
۱۳۱	بمعرفی بدیع الله فرید	۳ - اسرار الانار عمومی
۲۰۲	ع - صادقیان	۴ - درگه دوست
۲۵۲	-	۵ - خاندان افغان

ط - صفحه ای از یک کتاب

۴۶	ترجمه عبد الحمید اشرفی خاوری	۱ - از دلیل و ارشاد
۱۰۲	آقا سید اسد الله قهی	۲ - از هزار داستان
۲۵۷	خانم السی	۳ - از خد اوند بذر افشاندہ راباروری سازد

ی - نامه تاریخی

۴۸	۱ - از جناب شیخ محمد علی قائنسی
۲۱۲	۲ - از جناب ابوالفضایل

یا - مطالب متفرقه

۳	۱ - تبریک
۴	۲ - آغاز نسال جدید
۲۲	۳ - ریاضت
۹۲	۴ - نامه دکتر حبیب مؤید
۹۴	۵ - دو خادم جوان کامیار اجمند - شهرام دهننا فریار اجمند
۱۵۴	۶ - اعلا کلمه الله حین نزول بلایا
۱۹۴	۷ - مدرسه عصر جدید
۲۴۸	۸ - کفرانس قاره امریکا (بلیویا)
۲۸۸	۹ - کفرانس مونرویا
۲۹۲	۱۰ - گفتگو با خانم جنیدی
۲۹۸	۱۱ - کامل و منجیو

یب - گفت و شنود

۲۰۹ و ۱۶۱

یج - فهرست تصاویر

۱ - اخبار رمصور ۲۰ - ۲۱ - ۸۶ - ۸۷ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۹۵ - ۲۹۶



- ۲ - عکس تشکیلات ۱۰۱ - ۱۶۰ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۳۹  
 ۳ - عکس درس اخلاق ۱۰۴ - ۱۵۱ - ۱۶۰ - ۲۰۷ - ۳۰۰

۴ - عکسهای مربوط بمطالب

هوارد گیبسی ایواز ۳۰ - حضرت غصن الله الاطهر ۶۹ - احتفال شهادت  
 غصن اطهر در ارض اقدس ۸۳ - رمسین ۸۳ - کامیار ارجمند ۹۴ - شهرام  
 دهنائی ۹۸ - میرزا محمود فروغی ۱۳۹ - جناب فنائیلین سنگسری ۱۵۶ - عکسهای  
 از مدرسه عصر جدید ۱۹۴ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ - جناب اعتمادالتجار ۲۴۴ -  
 عکسهای کنفرانس ( بولیویا ) ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ - احبای لایاز - ۲۵۸  
 مارک توبی و تعدادی از کارهایش ۲۸۴ و ۲۸۷ - کنفرانس مونرویا ۲۹۰ - خانم  
 جنیدی ۲۹۲ - ۲۹۳ - کامل وینجو - ۲۹۸ و ۲۹۹

متنی است اغلاط زیر را که در شماره ۱۰۹ و آهنگ بدیع میباشد اصلاح فرمائید

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۲۹	۲۲	مفاسد	مفاسد
۲۴۹	۹	Bahaulal	Bahauallah



# قیمت نوجوانان

## فهرست نوجوانان

- ۱ - شعار روحانی از بیانات حضرت عبدالبها ۳۱۰
- ۲ - نقشه تبلیغی فردی ۳۱۱
- ۳ - مقدمه ای بر هفت وادی ۳۱۴
- ۴ - قسمتهائی از هفت وادی ۳۱۶
- ۵ - قسمتهائی از نامه دوشیزه ناهید مهاجری ۳۱۹
- ۶ - سرود زندگسی ۳۲۱
- ۷ - گفتار نوجوانان سلامت ۳۲۴
- ۸ - داستان جنگل ۳۲۶
- ۹ - فهرست عمومی نوجوانان ۳۲۸

شنو

ندار این مژگنم را

سمع و بصر را بدست غیر من

و با صفا گفتفا منما لوجه الله حرکت کن

جمعی از دوستان جوان مجامعی  
روحانی آراسته بودند. بد آن مجمع این  
بیان بیت العدل اعظم الهی مطرح بود که  
میفرمایند :

(۱) "لکن بر هر فردی از احباب"

فرض و واجب است که نقشه تبلیغی  
مشخصی برای خویش طرح نماید و در اجرای  
آن بکوشد."

وقتی که جمع روحانی مشغول مشورت و تبادل  
افکار شدند که چه اصولی باید به رطسرح  
و اجراء نقشه فردی تبلیغی منظور نظر باشد  
تا در حد و امکاناتی که فعلاً در دسترس  
ما هست و در حد اقل وقت بتوان حد اکثر  
نتیجه را بدست آورد یکی از دوستان  
جوان گفت که میدانم و ایمان دارم که  
بیت العدل اعظم بنص قاطع در تصمیمات  
خود ملهم بالهامات غیبی الهی و مصون  
و سرکنار از هر خطا و لغزشی است و تنها  
وظیفه ما اینست که در اجرای فوری و مستورا  
آن معهد اعلیٰ کترین تردیدی بخود راه  
نداده و در رنگ و تامل روانداریم چه حضرت  
عبدالیها میفرمایند :

(۲) "بیت عدل عمومی که"

با انتخاب عمم تاسیس و تشکیل شود در تحت  
حفظ و صیانت جمال الهی و حراست  
وصیت فائض از حضرت اعلیٰ روحی  
لهما القد است آنچه قرار دهند  
عند الله است ...  
و نیز میفرمایند :

(۳) "همچو ملاحظه میسود"

که بیت العدل بفروری خویش قرار دهد  
استغفر الله بیت العدل بالیه السلام

و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری  
نماید زیرا در تحت و قسایت و حمایت  
وصیانت جمال قدم است و آنچه قرار  
دهد اتباعش فرض مسلم و واجب مقتضی  
است ابتدا "مفری از برای نفسی نه."  
و نصوص الهی در این مورد بسیار است  
دوست ما چنین ادامه داد که تنها برای  
تکمیل اطلاعات خود علاقمندم که اگر  
دلیل و حکمت معینی برای ابلاغ دستور  
نقشه تبلیغی فوری در این موقع مخصوص  
ذکر شده است مطلع شوم و سپس بطرح  
و اجراء نقشه مربوط بخود پردازم .  
در جواب بیان شد که در همان بیسم  
بیت العدل اعظم (۱) پاسخ این سؤال  
مذکور است چه در این دستخط بنکات  
مهم و اصلی زیره تفصیل اشاره شده :

(۱) بوخامت اوضاع جهان

در این موقع خاص اشاره شده و تصریح  
گردیده که این خود اعلام کننده نابودی  
مشروعات قدیمه و اثری از آثار تحقق و وجود  
و اندازات الهی است و سه عامل اصلی  
برای آن میتوان یافت :  
اول نواقصی که در نظام اجتماعی عالم  
ملاحظه میشود .

دوم رهبری ناآگاهانه و سوسم بی ایمانی  
و انحراف از مبادی اخلاقی و روحانی .  
بیت العدل اعظم در این مقام در پیامی  
دیگر میفرمایند : (۴)

"ای بیاران رحمانی عالم انسانی بشهادت  
تعالیم یزدانی در این روزگار به ابتلائات  
و انقلابات متنوع دچار است و تحولات  
و تلونات بیشمار گرفتار مبادی سقیمه  
مخرجه مدنیت ماده در اوج اعتلا است  
و شیرین خبیر از خدا در نتیجه حیثرت

نقشه

تبلیغی فردی

دکتر سیروس علانی

واستکبار بریشان و مبتلا . چراغ دین  
بی نورا ست و کوبک هدایت در  
ظلمت ضلالت مستور . . . . رسم  
موهم و عقاید بالیه مستولییه  
ادیان عتیقه که بافکار دینه بشریه  
وامیال اهل موس مزوج و ملوث گردیده  
جهانیان را بکنی از مادی معنوییه  
روحانیه دور ساخته و مغرور و مغرور  
و محکم تمدنی نموده که اساسش  
صرفاً " بر موازین مادی استوار است  
و از تائید نغثات روح القدس محروم  
و سرگردان در این میان بشر غافل بموت  
و سرگردان نه ملجائی یابد و نه پناهی  
شناسد و نه این حیات موقت را معنائی  
بیند لهذا دل بد ریازند لا ابالی  
گردی پروائی جوید و با شرب مسکرات  
و استعمال مخدرات و ارتکاب منہیات  
راه مستی و فراموشی سپارد و نام آن جمله  
راتجد و تمدن گذارد . . . ."

(۲) توضیح میفرمایند که حتی  
مل متری خود را از اصلاح عالم عاجز  
می بینند و متاسفانه جمع گیری بهمین  
مقدار قناعت نموده اند که خود  
را از خطر دور نگاه دارند و با فقط فریاد  
اعتراض و انتقاد بلند کنند بد و نآنکه  
بتوانند راه حلی برای رفع این مصیبت  
عظیم و خطر شدید ارائه نمایند .

(۳) میفرمایند که با وجود این  
عده " زیادی یافت میشوند که در خلال  
این منازعات و تا ملایمات آثار قهر  
الهی را احساس میکنند و در کسب کلمه  
رحمانی استعداد و شنوائی بیشتری  
ابراز میدارند .  
بنابر این هر چند این وقایع موحسن و ایسن

عوامل مخرب در راه و دستاراحت  
کننده است اما در حقیقت افکار عالم  
را متوجه تعالیم حضرت بهاء اللہ  
مینماید و احتیاج عصر حاضر را به نظم  
بدیع جهان آرای الهی که تنهاد آروی  
شفا بخش آلام و درد های عالم بشری  
است روشن و مسلم میدارد .

(۴) بیرون اسم اعظم را متوجه  
میدارند که باید اهمیت موقع را مورد  
نظر قرار داده و تا وقت نگذشته و فرصت  
گرانها از دست نرفته است از میسل  
و رغبتی که در نفوس برای حل مشکلات  
حیات بوجود آمده استفاده نمایند  
و هر کدام در پی ابلاغ کلمه الهی بنفوس  
مستعد باشند .

هر فرد بهائی هر چند ظاهراً " ضعیف  
و هر قدر رعاری از قدرت بیان باشد باید  
بتمام قوا در ابلاغ پیام الهی بکوشد  
و در میدان خدمت سهم خود را بنوی که  
برای وی امکان دارد ادا کند .

(۵) اشاره با اهداف اصلی  
نقشه نه ساله میفرمایند که در بیای دیگر  
ذکر شده (۵)  
" این نقشه در دوره نه ساله اش باید  
از طرفی ضامن بسط دامنه امرالله گردد  
و از طرف دیگر شاهد مشارکت جمیع افراد  
احباء در حیات و خدمات بهائی شود "

سپس میفرمایند که برای نیل با اهداف فوق  
در این موقع خطیر " بر هر فردی از افراد  
احباء فرض و واجب است که نقشه  
تبلیغی مشخصی برای خودش طرح نماید  
و در اجرا آن بکوشد "

چون بنظر حاضرین توضیحات فوق کافی  
بود این بحث خاتمه یافت و در مورد نحوه

نحوه " طرح و اجرا " نقشه تبلیغی فردی  
تبادل افکار شد و ملاحظه گردید که  
همان پیام (۱) بیت العدل اعظم  
باین بیان مبارک حضرت عبدالبهاء  
اشاره رفته که میفرمایند " هر فرد  
بهائی در طی سال لا اقل یک نفس را به امر  
الهی هدایت نماید و حضرت ولی  
امرالله میفرمایند و هر نفسی در ظرف  
یکماه بیانی یک مجلس تبلیغ در خانه  
خوش بیاراید "

بر همین اساس بیوت تبلیغی خانوادگی  
طرح ریزی شده و از هر فرد بهائی تقاضا  
گردیده که در هر ماه بیانی یک یا چند  
بار در منزل بنشیند و دوستان غیر بهائی  
خود را دعوت کند و باط معاشرت  
را با ایشان بگشاید و نفوسی را که مستعد  
می بیند به احتفالات هفتگی تبلیغی  
و سپس بجلسات تحریر حقیقت و بیوت  
تبلیغی راهنمایی کند انجمن ششور  
ناشرین که چند سالی است تشکیل میشود  
فرصت بسیار مناسبی است که هر فردی  
میتواند با شرکت مرتب در آن از تجارب و  
اقدامات سایرین مطلع شود و با آنان  
تبادل نظر نماید مثلاً " سؤال کند که  
برای آشنائی طبقات مختلف مردم به  
امر بهائی بهر یک کدام کتاب را باید  
ارائه نمود و چه جزواتی را به آنان اهداء  
کرد که برایشان قابل فهم و مؤثر باشد .  
البته راه تبلیغ فردی معاشرت است  
و از آن محبت اما این همه موقعی مؤثر  
واقع میشود که ما به آثار الهی آشنائی  
کافی داشته باشیم تا در هر مورد بتوانیم  
دوستان غیر بهائی را از اهداف اصلی  
الهی بنحو شایسته آگاه کنیم .

حضرت ولی امرالله میفرمایند : (۶)  
" بعقیده راسخ این عبد اولیسن

وظیفه هر يك از پیروان باوهای امر حضرت بها؛ الله این است که همه همواره سعی موفور و مستمربذل دارد تا مقصد و اهمیت این امر اعظم را بهتر درک نماید (ترجمه)

بیت العدل اعظم در بهائی که بهمان مبارک فوق در آن نقل شده میفرمایند:

این بیان مبارک هر فرد مومن موظف را موظف میسازد تا عیناً در تعالیهش امر الهی تعین نظر نماید بنا بر این بجای آنکه صرفاً در باره لزوم تعمق در آثار امری اظهار نظر کنیم باید با همیست و کیفیت آن توجه نمائیم . . . . .

قصدهای که برای درک حقیقت امر الهی در آن غور نمائیم بدین شرح است .

حضرت بها؛ الله برای عالم بشریت چه میخواهد؟ برای حصول چه مقصود و منظوری تحمل شدید و مطالب فوق الطاقه فرموده؟ منظور مبارکشان از خلق جدید چیست حضرتش چه تغییرات عمیقی بوجود خواهند آورد؟ پاسخ این سئوالات را باید در نصوص مقدسه این آئین نازنین و تبیینات حضرت عبدالبها و ولی محبوب امرالله جستجو نمود یا ران باید خود در این بحر بیگساران غوص نموده کلاسهای منظمی برای فراگرفتن معلومات امری بطور دائم تشکیل دهند . . . . .

دیگر آنکه هر فرد بهائی بایستد نحوه جسم تعالیم مبارک باشد تا اعمال خود افعال گردد .

بیت العدل اعظم در بهائی میفرمایند (۴)

" ارتقاء و تقویتهای بنام امرالله مستلزم آنست که بسط بیطرفه آئین مقدس بزرگانی توأم با سماعی جمیله و دائمه هر يك از افراد پیساران باشد که بگویند تا در امور بومیه خود نیز به مقتضیات حیات بهائی عمل نمایند . . . . .

حضرت ولی عهد امرالله در یکی از آثار مبارک خویش بلسان انگلیسی بیان میفرمایند بدین مضمون (۴) :

" فتح و فطر محتم آئین مقدس بزرگانی فقط و فقط موکل و مشروط به این است که تاجه حد و دوجه حیات فردی و جماعی و سعایا؛ شخصی ما اهل بها؛ آئین بهائی حلالی باشد و ساجه حضرت بها؛ الله باشد "

حال آیا کتب معارف امری و تالیفات کتب یا اخلاق بهائی را میتوان از نقشه تبلیغی فردی حذف نمود؟ تشخیص آن بسیار شایسته است .

# نقشه تبلیغی فردی

- ۱ - پیام ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹ بیت العدل اعظم
- ۲ - الواح وصایای حضرت عبدالبها
- ۳ - جزوه بیت العدل اعظم الهی تالیف جناب علی اکبر فرزند ۲۶ وید
- ۴ - پیام ۱۹ شهر العلاء ۱۲۲ بیت العدل اعظم
- ۵ - پیام آوریل ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم
- ۶ - پیام رضوان ۲۴ بیت العدل اعظم

# مقدمه‌ای بر هفت وادی Robert L. Gulick

رابرت گولیک

ترجمه و تفسیر: فریدون بیلهانی

و از هر فصل سرشار گردید .  
شیخ محی الدین بن تودید با آثار عارف ریانس  
شیخ فرید الدین عطار فیلسوف و شاعر قرن دوازدهم میلادی  
که با اقتضای شغل لقب عطار را برگزید ، آشنائی کامل داشته  
است .

آتش معروف عطار منطق الطیر است که در آن مراحل سفر  
روحانی انسان را با عالم ناسوتیه جهان لاهوت بیان  
کرد ، و آن طی هفت وادی یا هفت شهر است که عبارتند  
از : وادی طلب - وادی عشق - وادی معرفت  
وادی توحید - وادی استغناء - وادی حیرت و وادی  
فنا .

جمال باریک در ریاضت از کوههای سلیمانیه به بغداد ایمن  
اسفار روحانی انسان را بسوی مبدأ و اصل خودش در کتابی  
بنام " هفت وادی " تشریح و همان اصطلاحات را در قالبی  
جدید و سبکی بدیع بکار برند . موضوع این کتاب عقیده به زمان  
و مکان نبوده و میان حقایق است که اساس ادیان الهی  
را تشکیل میدهد و در هیچ یک از تشریحات تغییر در آن حاصل  
نشده است . بنابراین مفهوم بیان جمال باریک باین مضمون  
که میفرمایند " امر الهی تغییرناپذیر و ابدی است "

کتاب هفت وادی حضرت بیباک که میخوان آنرا  
سرآمد آثار عرفانی بشمار آورد رساله " تفسیر حق است گسه  
در جواب سئوالات شیخ محی الدین عتی خانقین از طباطبائی  
مکتب تصوف برشته " تحریر کرده است .

مکتب تصوف حدود دوازده قرن قبل میتوان به عتی  
در دیانت اسلام در ایران رایج شد و هدف پیروان آن -  
مشاهده شمس جمال و درک لغای محبوب بی مثال از طریق  
ریاضت و دعا و ایجاد حالت خندید و بیخودی بود گسه  
در نوشتجات خود مراحل سیر سالکان طریقت را از جهل  
خاکی بوطن افلاکی که قرب جوار معشوق ازلی است بسا  
اصطلاحات و عباراتی مخصوص بیان نموده اند .

برخی از پیروان این طایفه را اعتقاد بر آن بود که  
دل آگاه و ضمیر منیر خود هادی و راهنمای انسان بر راه حقیقت  
است و نیازی با استعانت از انبیای الهی و اجرای مستورات  
شرعی نیست .

ولی طایفه " دیگر که عارفان بزرگی چون مولانا جلال الدین  
محمد و غزالی از ایند سته بشمار میروند بر این عقیده بودند  
که تنها از طریق اطاعت و اجرای دستورات انبیای الهی گسه  
و اسطه فیوضات رحمانی هستند میتوان از فیض لقا برخوردار



همین حقایق اساسیه است والاتعالیم اجتماعی حضرت  
 بهاء الله مطابق با مقتضیات قرن بیستم و تسلفهائی است که  
 پس از این قرن در عالم خواهند زیست و بطور محسوس با  
 اصول اخلاقی و تمدن ادیان گذشته متفاوتست . بحث این  
 کتاب در این است که درك فیض لقای الهی و وصول به  
 پیشگاه معشوق ازل تنها از راه توجه بتعالیم مظهر الهی  
 در این زمان میسر است و در این باره بیان لطیفی از قلم اعلی  
 نازل ( ۱ ) " و سالک باید در جمیع این اسفار بقدر شعری از  
 شریعت که فی الحقیقه سر طریقت و شمره شجره حقیقت است  
 انحراف نورزد و در همه مراتب بذیل اطاعت او امر متشبست  
 باشد و محبل اعراض از مناهای متمسک تا از کاس شریعت مزروق  
 شود و اسرار حقیقت واقف گردد . "

بدیهی است که هیچ انسانی هر اندازه هم که مراحل  
 کمال را طی کرده باشد قادر بر وصول بر تبه \* مسیحاتی نخواهد  
 بود و همچنانکه نمیتوان از بومه خار و شاخ بید انتظار نمود داشت  
 هیچکس در مقام انسانیت نمیتواند دعوی برابری با جوهر  
 الوهیت بنماید زیرا لازمه اش در اربودن کمال مطلق است  
 که از حد و قدرت و توانائی بشر خارج بوده و میباید طی تضام  
 افراد بشر در هر مرتبه و مقام و از هر طبقه و نژادی قادرند از راه  
 تسلیم و رضا و اطاعت از او مرالهییه تا حد و دستعداد تجلیگاه  
 انوار ربانی باشند .

عارف حقیقی کسی است که مظهر ظهور را در رسم  
 ظهورش بشناسد و او امرش گردن نهد و خود را بر دای صفات  
 و کمالاتش بیاراید و در چنین کیفیتی نیازی بدعوی تشبه بمقام  
 الوهیت ندارد زیرا اعمالش معرف صفات و کمالاتش خواهد  
 بود . در این مقام این بیان اعلی از قلم اعلی صادر شده ( ۲ )  
 " در این وادی سالک مراتب وحدت وجود و شهود را طی  
 نماید و وحدتی که مقدس از این در مقام است واصل گردد  
 احوالی باین مقال بردن بیان وجد ال و هر کس در این محفل  
 منزل گزیده و ما از این ریاض نسیمی یافته میدانند چه عرض  
 میشود . "

در وادی توحید شعری از مولانا جلال الدین ذکری  
 شده و آن اشاره بیک از آیات قرآن کریم است که ذکری  
 مضمون آن در این مقام بی مناسبت نیست .  
 " موسی بنده ای از بندگان ما ریافت که از جانب خویش  
 رحمتی با و داده بودیم و از نزد خویش دانش با و آموخته

بودیم . . . . پس موسی او را همراهی کرد و بر رفتند و چون بگشتی  
 سوار شدند آنرا سوراخ کرد موسی گفت این عمل تو کاری ناشایست  
 بود زیرا گشتی را سوراخ کردی و این کار سبب هلاکت ملاحان  
 خواهد گشت . پاسخ داد گشتی از آن مستمندانی بود که بدربار  
 کار میکردند معیوش کردم زیرا در راهشان شاهمی بود که همه  
 گشتی ها را بغضب میگرفت "

گر خضرد بر حرق گشتی را شکست صد درستی در شکست خض  
 و این داستان را در مفهوم است اول اینکه در مصائب و  
 بلا یای وارد حکمتهای میماری است که بالمآل خیر و صلاح  
 سالک طریقت در آن خواهد بود . دیگر اینکه عقول ناقص  
 نفوس ضعیفه هرگز قادرند درك مشیت الهیه نمیشدند .  
 عقل جزئی کی تواند گشت برقرآن محیط

عنکبوتی که تواند کرد سیمرغی شکار  
 هر چند ممکن است محتوای رساله هفت وادی در بادی امر  
 در و از زندگی روزمره بنظر آید اما از لحاظ کلی در زندگی قابل  
 اعمال است . این کتاب انسان را بسوی این حقیقت هدایت  
 میکند که کسی که از جام معرفت سر مست شد طالب رضای  
 الهی است و وجود خود را وقف عدالت - حقیقت - درستی  
 و سایر صفات مقدسی که مظهر ظهورش بیان کرده است  
 میکند و رضای الهی در عمل بحد و احکامش حاصل میشود چه  
 بسا صائمی که جوامع بشری از نفوس بظا هر پرهیزکار تحمل  
 نمودند است . آنانکه خود را ستون کلیسا و رکن دیانت و زینت  
 نوع انسان دانسته و زعم باطل خویش خود را ستگار و مستغنی  
 از رعایت قوانین انسانیت میدانند نفوس غافل هستند که  
 در حقیقت بد و نوع قوانین و اصول اخلاقی معتقدند نوع اول آنچه  
 که خود از آن تبعیت میکنند نوع دیگر ستورانی است که عامه  
 مردم باید از آن پیروی نمایند و اگر اینگونه نفوس که بتقوی و  
 دانش خود متکی بوده اند در هر دو راز توجه بمظهر ظهور  
 محتجب مانده اند .

حضرت مسیح چون باین حقیقت پی برد که بحث با  
 فریسیان و کاتبان و بزرگان قوم یهود کاری است بی حاصل برکت  
 و عنایت خود را شامل حال گنا هگارانی نمود که خود را تشنه  
 نیکوکاری و محتاج هدایت میدانستند عرفان حقیقی  
 پناهگاه خود پسندان و ریاکاران و کسانی که مسئولیتهای  
 اجتماعی و انسانی را از یاد برده اند نیست بلکه هفت وادی  
 عرفان راهی است که انسان باک و بی آایش را بمعرفت الهی  
 و خدمت بخلق او هدایت میکند .

# نقشه‌هایی از

مراتب سیر سالکان را از مسکن خاکی بوطن الهی هفت رتبه معین نموده اند



## وادی طلب

اول وادی طلب است که مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر صبر جانی نرسد و مقصود حاصل نشود .



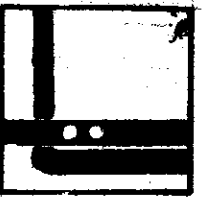
## وادی عشق

و اگر در این سفر تطاعت باری از تباری نشان نشان یافت و سوی یوسف گمگشته از بهر احدی به شهید قهر آید وادی عشق قدم گذارد و از نار عشق بگذرد . . . . . مرکب این وادی درد است و اگر درد نباشد هرگز این سفر تمام نشود . .



## وادی معرفت

و اگر عاشق بتائیدات خالق از منقار شاهین عشق سلامت بگذرد در ملک معرفت وارد شود و از شک به یقین آید و از ظلمت خلالت هوی منور هدایت تقوی راجع گردد . . . . .



## وادی توحید

و سالک بهمسد از صبر وادی معرفت که آخر خسام تعهد است با اول مقام توحید دواصن شود و از کاس تجرید بنوشد و در حظا هر قدر سیر نماید .

# هفت وادی

چنانچه بعضی هفت وادی و مخصوصاً هفت وادی استغنا

و حالیکه بعد از اتمام بنای این شهر در این شهر  
 امتداد دارد و در این شهر در این شهر  
 از این شهر و در این شهر  
 در این شهر و در این شهر  
 یا برسد و در این شهر  
 مساعد و نماید زیرا که در این شهر  
 بود است.

## وادی استغنا



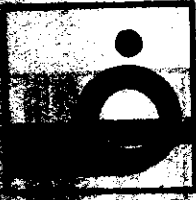
## وادی حیرت

## هفت وادی

چنانچه بعضی هفت وادی و مخصوصاً هفت وادی حیرت

و حالیکه بعد از اتمام بنای این شهر در این شهر  
 امتداد دارد و در این شهر در این شهر  
 از این شهر و در این شهر  
 در این شهر و در این شهر  
 یا برسد و در این شهر  
 مساعد و نماید زیرا که در این شهر  
 بود است.

## وادی تقوی





## قسمتهایی از :

### نامه

## دوشیزه ناهیده و مهاجری

### مهاجر فیلیپین

۱- عزیزانم شبی چون قطره اشکی از برگ گل به ساقه چکید ه راه خوش گرفت و درود خانه وصال رسید نرد عشق باخست و در راهش آرزوی فنا نمود من نیز همچون این شبنم به فضل جمال الهی راهی وادی عشق و میدان خدمت شدم دعاها گره ها و زاریها پاسخ داده شد و ما مهر و فد اکاری و عزیزید یا رؤیاهای چند ساله رسیدم همواره سپاسگزارم و از خدا میخواهم همچنانکه در نیل به آمالم یارم نمود بمهر و عطوفت خوش مفتخر مان فرماید مسافرت های جالبی به قبایل و دهات داشته ام که عکسها را خواهم فرستاد تا بدانید زندگی چگونه میگردد و اگر نگرانی هست بر طرف شود ... بداران و مادران را اطمینان دهید در این زمان که وقت خدمت و جانفشانی در سبیل محبوب امکان است حیف است که انسان زندگانی واقعی را بگذارد و خیال واهی در قهقرای فنا زیست کند به آنها بگوئید بگذارند فد اکاریشان در قبایل فرزندانشان کامل شود اجازه دهند جوانان مشتاقشان راهی میدان مجاهد گردند زندگی یابند

وزندگانی بیاموزند این جوانان هر یک چون شمع فروزانند که در هر نقطه از عالم میتوانند محل خود را با آتش محبت الله بگذازند و انسانها را بسازند و اگر این شمعها در یکجا جمع باشند علاوه بر سوزش خود در فواید

یکدیگر نیز کمک نموده و دسته جمعی خواهند سوخت بدون هیچ شمعی بهر حال آنان که در راه عشق بیمودند و از جام فنا نوشیدند بسر منازل مقصود رسیدند و زندگانی شاد واقعی را یافتند بگذارید دیگران هم در این شادیها شریک و سهمی باشند .

\*\*\*

۲- . . . دیشب ساعت ۱۲:۳۰ بعد از نیمه شب با استقبال دوشیزه تونی مانند ۲۴ ساله معان و ایادی امرالله و مهاجر عزیز که ازها واهی آمده و دانشگاه رانانعام گذاشته و میدان خدمت شتافته رفتیم راستی روح مجسم بود چون بچه ها جای مناسب برای ورود ایشان نداشتند همگی سه



همگی به همراهی توفی و دلیل اینست که جوان ۱۹ ساله اهل هاوانی که بسه فیلیپین مهاجرت نموده بیسارک رفتیم تا صبح در آنجا بودیم ما قدری از اراض اقدس تعریف کردیم و آنها از سفرهای تبلیغی خود شان حدود ساعت ۳/۴ بود که همگی ( ۶ نفر ) تصمیم گرفتیم مناجات بخوانیم همه مناجات خواند تونی مانند مناجات فارسی قلب صافی چون در عطا فرما رابالحن زیبایی تلاوت نمود و سپس شروع به قدم زدن کردیم مدتی پس از طلوع آفتاب در گوشه ای از بارک در ساحل اقیانوس آرام مشغول تماشای کشتیها بودیم که دیدیم مهشید ایقانی با آقای مسنی آمدند مراسم معرفی انجام شد فهمیدیم که اورئیس يك دانشگاه در فیلیپین ( ما نیلا ) است دوستان دیگرش هم شهردار ایالت و قاضی دادگستری - معاون شهردار و یک سناتور مجلس بودند به جمع مایوسند و همان رئیس دانشگاه مراسم را انجام داد یکی از ایشان تقاضای کتاب کرد همه اسمهای ما را گرفته و شهردار برای ساعت ۱ صبح همان روز ما را بدقتش دعوت کرد رفتیم و کتاب سوره الطوک را همراه بردیم بگری ما را بدقتش و به سخنان توجه نمودند در شهرداری عکس گرفتیم که قرار است با شرحی در باره دیانت بهائی چاپ شود خلاصه خیلی جالب بود با آنکه تمام شب را خوابیده بودیم صبح با وجود گری هوا اصلاً احساس خستگی نمیکنیم

۳ - عزیزان آنچه احساس ( صفحه ۳۲۰ )

میکنم و آنچه کسه یافته ام بخدا قسم به فضل جمال مبارک بوده نه هیچ چیز دیگری طوری شده که هر وقت میخواهم دعا کنم دیگر جرات در خواست و تمنای چیزی در خود نمی یابم آنچه رضای اوست شیرین و گواراست غمی نیست که به فضلش بشادمان نیانجامد و مشکلی نیست که به تأییدات غیبیه اش حل نگردد از جانب من به عزیزان طهران بگوئید اگر سعادت خواهند راهی راهش شوند ولی بدون چشم داشت

وجه زیباست مورد لطف و محبت قرار گرفتند در این سامان حال رخسوت و خمودت مفهوم ندارد نگاهها مرده و خود خواه نیست قلبها سرد و منجمد نیست محدودیت بیان و عقیده مفهومی ندارد مردی هستند قابل انعطاف و مهربان بخصوص به افسراد خارجی چه لطفی دارند هر یک پیشقدم دوستی میشوند و دنبال آن میل دارند هر کس که از ستشان بری آید انجام



در تالیک تیک بین قبایل ایفوکو

زیرا و آنقدر مزرگوار است که بیش از لیاقت نیز از رانی میدارد و راستی میگویم سراب زندگی از میان رفته چشمه گوارای آب حیات به فوران آمده رویاها لباس حقیقت پوشیده در نیایی که همگان از اختلالات روانی در ترس و هراسند در پارمن عقده و نگرانی روحی معنی و مفهومی ندارد چنان سبکبال و فارغم که غم رانی شناسم آنچه را در طلبش بوده ام خود را ظاهر ظاهر ظاهر من هیچگونه حجاب جلوه گرساخته هدف ادیان چه بوده جز محبت و شادمانی بین افراد و من اکنون هر دو آنها را یافته ام نمیدانید که چه لذتبخش است دوست داشتن و عشق و وز زین به هر چیزی حتی به نفس کشیدن

دهند بهر حال فقط هدف زندگی را فراموش نکنید خود را بشناسید و با عقل و احساس هر دو راه را انتخاب نمائید

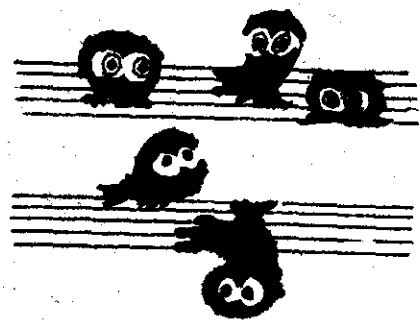
# روز زندگی

نوشته: فرید سبانی

هنوز چند دقیقه ساعت هشت مانده بود چراغهای سالن بزرگ شهر را خاموش کردند و سالن در تاریکی مطلق فرورفت اندکی بعد نور ضعیفی صحنه را روشن کرد سایه های مبهمی روی صحنه آمدند و در فواصل مختلف جای گرفتند سکون و سکوت همه جا را فرا گرفت نفس در سینه حبس شده بود و همه انتظار می کشیدند صحنه اندکی روشنتر شود اما چهره ها هنوز قابل تشخیص نبود آنگاه نمایش زندگی آغاز شد و مطالع الا نوار داستان زندگی انسان را از بدو خلقت به بهترین صورت ممکن جلوه گر ساختند .

اندک اندک حیات در دل زمین جای گرفت موجودات پدید آمدند و انسان قدم به عرصه حیات گذارد سایه ها برخاستند و حرکت آمدند هر کس راهی جست و سودائی در سرپروردگانه چند نفری بهم نزدیک میشوند اما با سرعت از یکدیگر فاصله می گرفتند و گاه فاصله آنها از یکدیگر آنقدر زیاد میشد که گویی تمامی کوهها و دریاها عالم هم نمی توانستند این فاصله را بپوشانند خصمانه بی یکدیگر می نگرستند و فریاد های خشونت و نفرت از حلقوم بر می آوردند هر یک سعی میکرد دیگری را از راه خودش بردارد و بیشتر برود . . . نور صحنه ضعیفتر شد و نوای " فلوت " در سالن طنین افکند نوای آرای که نشانه میداری و هوشیاری بود ندائی که گویی از جانب حق می آمد تا بشرفاغل را بخود آورد با نوای فلوت لحظه ای کوتاه انسانها بخود آمدند هر آنچه در گه داشتند بر جای نهادند و خود متوجه نداشدند اما این حالت توجه لحظه ای پیش نیاید و دوباره هر کس سرخوش در پیش گرفت

دان برکزی ( مطالع الانوار ) گروهی از جوانان بهائیان ممالک مختلف اروپا و آمریکا است که در تعطیلات تابستان سفرهای چند ماهه برای تبلیغ امرالله ترتیب می دهند و مابیک اتوموس بزرگ که در حقیقت محل زندگی ایشان است به ممالک مختلف اروپا سفر می کنند هر چند روز یک مملکت و در یک شهر اقامت می کنند و در کوچه و خیابان رادیو و تلویزیون سالنهای بزرگ شهر و دانشگاهها با خواندن سرودها و اشعارهای مختلف امری و ترتیب برنامه های جالب امر بهائی را معرفی می کنند . سفر تابستان گذشته این دسته از جوانان بهائی بسیار موفقیت آمیز بود و از هم اکنون جوانان بهائی ممالک مختلف اروپا سرگرم تدارک سفر بعدی خود در تعطیلات تابستان سال آینده هستند .



اما این بار وضع اندکی تغییر کرده بود گروهها و جماعات پدید آمدند و هر يك سازمان و بنیانی ساختند هر دسته میخواست قدرتی بگفت آرد تا فرمانروای دیگر گروهها گردانند در میان هر دسته نیز هر چند صباح یک نفر علم بر میافراشت و سودای ریاست در سر میبرد با تمام قوا میکوشید تا بر دیگران مسلط گردد با لاتر و بالاتر رود و در اوج عظمت و شوکت بماند اما دیر نمی پائید که این بت مقتدر مغلوب پیشوای گروه دیگر میشد و اگر احیاناً نمیشد گروه بت خود ساخته را درهم میشکست و دیگری جای او را میگرفت و این جنگهای داخلی و خارجی روح بشر را آزرده آنچه در این صحنه دیده میشود خشونت بود و قتل و تفرقه و شورش و هر چه همچنان ادامه میداد پیش میرفت تا آنجا که به یکباره همه چیز زان برپا نهاد خود را فرمانروای زمین دانست فریاد برآورد ما امروز قلب مصنوعی میسازیم ما امروز می توانیم کرات آسمانی را تسخیر کنیم ما میتوانیم سر نوشت انسانها را تغییر دهیم زمین و زمان امروز را اختیار ما است آنچه را که خواهیم میتوانیم بکنیم فقط کافیست که اراده کنیم و آنگاه طوفانی سخت در گرفت طوفانی که زلزله بر ارکان تمدن مادی نوع بشر انداخت غرش طوفان لحظه به لحظه شدید تر میشد گروهی بی مقاومت بخاک در افتادند دسته دیگری مقاومت کرد و دسته ای برای نجات خویش سخت تلاش کردند اما آنگاه که غرش طوفان به اوج خود رسید همگان از پای درآمدند و سگر

همه جا را فرا گرفت بار دیگر نوای فلسفه بتدريج در فضای سالن اوج گرفت سوازی که به منزله آب حیات بود و مردگان را زندگی می بخشید نوای فلوت بلند تر و بلند تر شد و دوباره بخاموشی گرفتند و این بار از پشت صحنه ندائی بگوش رسید قسمتی از کلمات مکتوبه حضرت بهاء الله بالحن محکم و متین تلاوت می شد "یا ابن الانسان هل عرفتم لم خلقناکم من تراب واحکد لئلا یفتخر احد علی احد و تفکر و اتی کسل حین فی خلق انفسکم ازینبغی کما خلقناکم من شیئی واحد ان تکونوا کفص واحد - بحیث تشمون علی رجل واحد و تاکنون فی تم واحد و تسکون فی ارض واحد حتی یظہر من کینوناتکم و اعمالکم و افعالکم آیات التوحید و جواهر التجرید هذا نصم علیکم یا ملا الانوار فاقضوا مشی لجد و اثرات القدس من شجر عزیمیح مردگان جانی تازه گرفتند آنان که زود تر توان خود را بازیافتند بیاری دیگران برداختند تا همه از جای برخاستند و نشانی از زندگی یافتند و آنگاه همه با هم سرودی آغاز کردند که تا اعمال جان اثر میگذاشت "بگذرید محبت و گمانگی سلطنت کند و آندرتکار کردند که گوئی قضا سالن تغییر کرد انسانها بی یکدیگر نزد یکدیگر نزدیک شدند آنها که علیه یکدیگر میخواستند این بار بیاری یکدیگر برداختند و بنیادی نو ساختند دیگر از خشونت و نزاع و نفرت اثری دیده نمیشد آنچه بود عشق بود و یک دنیا آرامش و صفا عشق و سرور از بلا کلمات و آهنگ سرود ها و ترانه های مختلفی که در آن بریکرها (مطالع الانوار) میخواندند خود را نشان میداد کلمات به زبانهای مختلف دنیا داد میشد اما مفاهیم همه آشنا بودند و مراسمی محبت

و گمانگی سلطنت میکرد .

ساعت نزدیک ده بود دوباره چراغهای سالن را روشن کردند در آن بریکرها جلوس صحنه را زکارتیکدیگر جای گرفتند و اینبار نوبت جمعیت بود که بیشتر و بیشتر دربار امریهائی بهر شدند اما دیر لژی نداشت که بانطق و بیان و کلمات هدف امریهائی شرح داده شود زیرا که هدف عظیم امریهائی در نمایش کوچک گروه مطالع الانوار خوبی مشخص بود . با این وجود بحث و گفتگو تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت و سوالات و پاسخها بجزندین زبان مختلف دنیا ترجمه میشد هنوز گفتنی بسیار بود اما ناچار باید سالن را ترک میکردیم یکبار دیگر در آن بریکرها سرودی سرودی آغاز کردند .

"ما یروز بر مشکلات غلبه خواهیم کرد ما یروز بیروز خواهیم شد در اعماق قلب اطمینان داریم که یروز بر مشکلات غلبه خواهیم کرد ما در صلح زندگی خواهیم کرد ما باید یکدیگر برادر خواهیم بود ما بخداوند ایمان خواهیم داشت و بیروز خواهیم شد و بعد قرار جلسات بحث و گفتگو ادامه مذاکرات بود که اهلای مقیم شهر طالبین حقیقت میگذاشتند و جزوه های معرفی دیانت بهائی بود که عرضه میکردند . اعضای گروه خسته تر از آن بودند که بتوان وصف کرد اما هنوز لبخند میزدند و چهره هاشان گرم و روشن بود در چشمان یکایک آنها فروغ زندگی میدرخشید هر يك چون کوهی استوار و محکم بودند و چون آفتابی گرم و درخشان بهر طرف چهره میکردند و نور زندگی میبخشیدند و گرمی محبت می چشاندند بر آستی که وقت چه زود گذشت آری آنها هم باید بار دیگر با سفری بستند





و سحرگاه بعد بسوی شهرود یارد یگری میرفتند بسوی شهر  
دیگری که آنجا هم به فروغ زندگی و گری حیات نیباز  
داشت اتوبوس آنها حرکت کرد و چهل جوان خسته  
اما جالاک را با خود برد که سحرگاه بسوی دیاری دیگر  
رهسپار گردند اتوبوس از خم کوچه گذشته بود اما صدای  
آنها هنوز گوش میرسید .

"مایکروزیر مشکلات غلبه خواهیم کرد مایکروزیر و خواهیم  
شد . . ."

برلین نوامبر ۱۹۷۰

# کنفرانس جوانان در ولیمت سیکاگو

است بهائی شده اید یکی میگفت سه ماه یکی میگفت سه روز یکی یکسال واقعا نمیتوان تصور کرد که این جوانها چقدر آرام چقدر متین و مودب و چه بشاش بودند صدای یابهاہ الابہی واللہ ابہی در فضای روحانی کنفرانس از ہر جہت موج بود محیط باین روحانیت و متانت تا بحال ندیدہ بودم آنہم از اجتماع یک عدہ جوان امریکائی . از ورود حضرت حرم مبارک آنقدر مسرور بودند کہ گفہ کہ زبان ہمہ خوش آمد میگفتند . حضرت حرم از این اجتماع بسیار خوشحال بودند و نطقہای موثر ایشان چقدر سبب تشویق و سرور جوانها بود باعث شد کہ آنہا ہدای خودشان را دہ برابر کردند و در مدت سه روز کنفرانس ہ ہزار دلارتبرعات جمع شد . نمیدانید چہ اشتعال و انجذابی داشتند وجود یک دستہ موزیسین جوان کہ آہنگ ہائی ہمراہ با اشعار امری مینواختند و تمام کتاب ۷ وادی و وادی و احکام حضرت بہاہ اللہ جل اسمہ الاعلی را با شعر میسرودند بیشتر سبب بشارت روح ہمہ حاضرین گردید .

در همان شب اول موقعی کہ جوانها با آسانسور ہتھل خودشان میرفتند متصدی آسانسور پرسید ہ بود چہ خبر است

امرالہ بطوری معجزہ آسازہ باین اطراف بی شرفت میکند کہ واقعا سبب حیرت است . سه ہفتہ قبیل جہت شرکت در کنفرانس جوانان عازم ولیمت شدیم . واقعا جای عمم احبای عزیز خالی کہ روحانیت کنفرانس را کہ بعدت سه روز بحضور حضرت حرم مبارک ایادی امرالہ روحیہ خانم مزین و منور شدہ بود ملاحظہ فرمایند متجاوز ازد و عہدہ از جوانان اطراف امریکا بخصوص جنوب کہ تبلیغ دستہ جمعی در آن آغاز گردیدہ در این کنفرانس حاضر نبودند عدہ ای از این جوانان تازہ تصدیق بعد از مدتی کار توانستہ بودند وسایل حرکت خودشان را با اتوبوس یا کامیون باری و اتوبوس آمادہ نمایند .

یک سالون مدرسہ متوسطہ کہ حکم یک شہر را داشت برای کنفرانس اجارہ شدہ بود و شب را جوانہا در ہتھل می ماندند . باور کنید اگر نمیدیدم نمیتوانستم تصور کنم کہ جوانہای ہیبتی با موہای بلند و لباسہای مختلف چطور عاشقانہ قیام کردہ و در ظل تعالیم مقدسہ مہینہ جمال مبارک جل اسمہ الاعلی داخل شدہ اند ذوق و شادی و سرور از سیمای آنہا پدیدار بود یکی از آنہا میگفت آنقدر خوشحالم کہ نمی دانم چہ کم وقتی میبرسیدند چند وقت

و شما هاجرا اینقدر خوشحالید در جواب گفته بودند موعود الهی ظاهر شده کسی که موعود جمیع کتب آسمانی است و ما جشن می گیریم آن شخص در همانجا بهائی میشود و جلسه تبلیغی در همان هتل تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب برقرار بود و نفر تسجیل میشوند و عده ای هم اسم می نویسند که برای مطالعات بیشتر به مشرق الاذکار و جلسات تبلیغی بروند شب آخر کفرانس فستیوال موزیکی که جوانهای بهائی کالیفرنیا اداره میکردند آنقدر مهیج بود که دسته دسته اغیاری آمدند در همان شب ۴ نفر کارزار گرفتند و عده ۴ به مشرق الاذکار برای کسب اطلاعات بیشتر رفتند یک دختر جوان کلیبی که بهلوی من نشسته بود میگفت افسوس مادر من رفت من می خواهم بهائی شوم و می خواهم بمادریم بگویم ما جوانها دنبال نیای تازه ای میگردیم هدف نداریم ولی این بهائی ها هدفشان معلوم است . هنگامه عجیبی بود اطراف سالون کفرانس و در خیابان همه جا صحبت از امر مبارک بود در بالای یک رستوران با خط بزرگ نوشته بودند جوانهای بهائی خوش آمدید در روزنامه و تلویزیون هم اعلان شده بود و کارکنان مدرسه از اینهمه نظم و ترتیب متحیر بودند روز آخر مردی که متصدی مدرسه بود پشت میز آمد و میگفت اگر این عده شاگردان ما بودند همه چیز را شکسته بودند هرچه فکر میکنم مبینم این جوانها ظاهرا مثل سایر جوانها هستند شما چطور اینها را تربیت کرده اید که آنقدر منظم و متین و آرامند ؟ آیا از کوچکی آنها را تعلیم داده اید ؟ وقتی با او گفتند اغلب اینها فقط دوسه ماهی است که بهائی شده اند از داشتن چنین جامعه جوانی بسیار تبریک گفت و اظهار داشت که بهائیت در نظر او مانند کشتی است که ساکنان آن آرام بساحل نجات می رسند . یک دختر

سپاه پوست جوان که از جنوب آمده بود و در آنجا به تبلیغ دسته جمعی کمک کرده و عضو هیئت مشاورین شده بود به پشت تربیتون آمد وقتی از او سؤال کردند چطور در جنوب تبلیغ میکنید گفت خیلی ساده بهم میگوئیم دنیا یکی است خدایکی بشریکی و بعد هم راه با موسیقی می نوازیم همه از وحدت عالم انسانی و اتحاد بشر متوجه میشوند که تنها علاج این درد ها و مشقات ایما ن با امر مبارک و اجرای تعالیم مقدسه الهیه است و مدینوسیله بشر از این جنگ و ستیز و اختلاف در ظل تعالیم الهی نجات خواهد یافت .

در هر صورت کفرانس با موفقیت هرچه تمام تر و سرور و بهجت و نورانیت و روحانیت خاتمه یافت و جوانها به محل های خویش مراجعت کردند که بفعالیست و اقدام بیشتری پردازند .

# داستان جنگل



ترجمه: مهین پورحیجی

وفاداری و محبتشانی هستم اگر شخصی هزار بار مرا بزند و تنها يك بار لقمه ای غذا بمن بد هد تمام عمرم دیون او هستم و حتی حاضر جانم را در راه خدمتش فدایم حال آنکه بشر هزارها کلمه و خدمتی که با او میشود نادیده میگیرد و از یاد میبرد و تنها اشتباهی را که احیاناً دوستش مرتکب شود همواره بخاطر می آورد. و گاه از کشتن اطرفیان و همنوعانش هم ابایی ندارد با این حال آیا باز هم میتوانی ادعای آنی که نوع انسان یا لاتراز حیوان است ؟

حال این صدای اعتراض آمیز گام بود که خطاب به سوامی میگفت " انسان مزایای چرابه چراگاه میبرد گاهی اوقات کمی علف یا گاه بمن میدهد که در عوض آن شیر پرانری یا او میدهد گاه برای آنکه خود وجهه هایش را سیر کند بچه مرا اگر سنگی میدهد و در حالیکه من غذای او و فامیلش را تامین میکنم او مراد رستوی کیف عقب حیاط جای میدهد .

زمانیکه شیرم خشک شد فراموش می کند و ما من بنمای بد رفتاری میکند . در زمان بگیری مرا از خود میراند و ما به قصاب محل میفروشد . بلی اینست آن بشری که شما مقامش را به عرش میرسانید لطفاً بگوئید چرا ؟

و این بار نوبت کلاغ بود که داد سخن دهد " آیا بشر حتی يك خصوصیت اخلاقی مراد دارد . اگر يك تکه نان کوچک بطرف من بپرتاب شود من قارقار کنان همسه برادران و خواهران را میخوانم و آن قطعه کوچک را با آنان تقسیم می کنم اما بشر بالعکس هر چه بیشتر داشته باشد

رواه زیرک و حیله گرازاینکه به نوع انسان درجه و مقامی بالاتر از حیوان داده شده دلگیر و ناراحت بود او با خودش فکر میکرد که آیا هوش و ذکاوت من کمتر از انسان است یا او در فریب دادن دیگران کمتر از من حیله گرومکار است ؟ انسان هم موجود زنده ایست درست مثل من با این تفاوت که من راضی تر و خوشنود تر از او هستم لباسهای گرانقیمت نمی پوشم گرما و سرما را با کمال بردباری تحمل میکنم نمیسرای محفوظ ماندن از باران زمستان به چتر نیاز دارم و نه در برابر اشعه خیره کننده خورشید تابستان به عینک . گذشته از اینها برای رفتن از جایی به جای دیگر به ماشین و ترن هم نیازمند نیستم حال با وجود این امتیازات و اخلاق و صفات پسندیده دیگر چرا باید نوع انسان بالاتر از من باشد چه خوب است روزی این بی عدالتی خاتمه یابد . روایه با این فکر بهر طرف به حرکت در آمد و حیوانات دیگر را هم برای پیوستن بخود تحریک کرد و این ترتیب گروهی از حیوانات به دورش گرد آمدند و همگی با هم نزد فیل رفتند . فیل که عاقل تر و در اندیش تر از دیگران بود گفت برادران من شکی نیست در آنچه میگوئید حقایق وجود دارد در این منطقه کمی آنطرفتر دانشمند پیری زندگی می کند بهتر است نود او روم و این مسئله را با او میان گذاریم همگی موافقت کردند .

در برابر ببرد انشمنند که نامش سوامی بود ابتدا سگ عموو کنان گفت " سوامی تو مرا خوب می شناسی من نمونه "

حریص تراست اوحقی به مال خودش هم قانع نشده نان  
همسایه را می رباید چگونه چنین موجود حریص خود خوا  
مقارش بالاتراز من است ؟  
قاطر اضافه کرد که ای پیرکلاغ "کاملاً" حق دارد به این  
وضع رقت بار من نگاه کن من حیوان با بربری هستم که بصبر  
و بردباری معروفم هرگونه توهین و تحقیری را بصبر و انصاف  
تحمل می کنم بدون یاری و کمک من مردم در کوهها و تپه ها  
برای کسب روزی از زمین میروند من غذا و امارهایشان را حمل  
می کنم ولی در ازای این خدمت چه بهره و پاداشی  
میگیرم . ضربه \* شلاق باز هم ضربه \* شلاق  
آیا این است همان بشری که بالاتراز من است ؟  
فیل گفت من قادرم کارهای بزرگ انجام دهم جنه ای  
عظیم دارد مطمئناً " شما دادستانهای از استعداد و قدرت  
خارق العاده من شنیده اید بنا بر این لطفاً " محبت کنید  
و من بگوئید چرا نوع بشر بالاتراز همه ما است ؟

پیردانا گفت گوش کنید این یا ران جنگل همه آنچه گفتید  
صحیح است اما خداوند چشم بصیرت . هوش و -  
استعدادی به بشر بخشیده که وسیله آن خوب را از بد  
حقیقت را از غیر آن و درست را از غلط تمیز میدهد . شما  
بوسیله \* غریزه مهار شده اید حال آنکه بشری تواند  
غذایش را تحت کنترل در آورد و بسوی عوالم بلند روحانی  
بالا رود .  
روپاه برسید " و اگر نتواند " اگر نتواند البته از حیوان  
بست تراست اما اگر موفق شود او به مراتب بالاتراز همه  
مخلوقات عالم است .  
حیوانات بشنیدن این پاسخ خشنود و راضی در جنگل  
پزاکنده شدند .

فهرست عمومی

مدرجات قسمت نوجوانان سال بیست و نهم آهنگ بدیع

الف - آثار مبارکه

- |     |  |
|-----|--|
| ۵۲  | ۱ - ازبیانات حضرت بهاء الله                          |
| ۵۴  | ۲ - بهترین طریقه تبلیغ ازبیانات شفاهیة حضرت عبدالبها |
| ۱۱۰ | ۳ - بیان حضرت عبدالبها                               |
| ۱۶۴ | ۴ - بیان حضرت عبدالبها                               |
| ۱۶۵ | ۵ - ازبیانات شفاهیة حضرت عبدالبها                    |
| ۲۱۴ | ۶ - بیان حضرت بهاء الله                              |
| ۲۶۱ | ۷ - بیان حضرت عبدالبها                               |
| ۳۱۰ | ۸ - بیان حضرت بهاء الله                              |

ب - مقالات عمومی

- |     |                      |                   |
|-----|----------------------|-------------------|
| ۱۱۱ | ۱ - جمال ووقار       | دکتر خیمراد داودی |
| ۲۱۵ | ۲ - دعا              | روحی ارساب        |
| ۲۶۱ | ۳ - مردان دلاور      | مسعود رضوی        |
| ۳۱۱ | ۴ - نقشه تبلیغی فردی | دکتر سیروس علائی  |

ج - تاریخی - شرح حال

- |     |                        |                      |                            |
|-----|------------------------|----------------------|----------------------------|
| ۵۶  | ۱ - گنهایسون عکا       | نوشته ابوالقاسم فیضی | ترجمه مهندس هوشنگ<br>نعیمی |
| ۱۶۶ | ۲ - عشق هستی قبول نکند |                      | مسعود صدقی                 |

د - شعرومطالب ادبی

- |     |                               |               |                |
|-----|-------------------------------|---------------|----------------|
| ۵۵  | ۱ - ای محبوب بی همتا          | ترجمه واقتباس | فریدون سلیمانی |
| ۱۱۹ | ۲ - گسردش                     |               | محمود کیا نوش  |
| ۲۲۴ | ۳ - مرایه سنگ ملامت زنده و... |               | سلمانی         |
| ۶۶  | ۴ - رباعی                     |               | غلامرضا روحانی |

ه - معرفی کتاب

- |     |                          |                      |
|-----|--------------------------|----------------------|
| ۶۳  | ۱ - فرهنگنامه            | بمعرفی نعیم رضوی     |
| ۱۱۵ | ۲ - شازده کوچولو         | بمعرفی مهین پورحیوی  |
|     | ۳ - آلبرت شوایتزر        | قهرمانان کوچک        |
| ۳۱۴ | ۴ - مقدمه ای بر هفت وادی | ترجمه فریدون سلیمانی |

۵۳		۱ - سرآغاز
۱۱۳	فریده سبحانی	۲ - نسل عاشقان
۱۲۰	پرویز روحانی	۳ - سالهای بحرانی
۱۲۲		۴ - چهره ای آشنا
۱۶۸		۵ - درگایزویل چه گذشت
۱۷۱	فروغیه خدادوست	۶ - از شهرهای بزرگ به محل خویش . . .
۱۷۳		۷ - لیسریا
۲۱۸		۸ - دیزی گیلسی
۲۲۰	مسعود صدقی	۹ - لطیف چون هوا - مشتعل چون نار
۲۲۳		۱۰ - " " - خاطرات پراکنده جوانان
۲۲۳		۱۱ - پیام لجنه جوانان نیامی نیجر
۲۲۵	ترجمه صبا ایمن	۱۲ - دیدار کودکان از مشرق الاذکار ولت
۲۶۸	مهین پوررحیمی	۱۳ - دقایقی چند بالیند امارشال
۲۷۱	پرویز روحانی مهاجر هند و راس	۱۴ - شکر شکن شوند همه طوطیان هند
۲۷۴		۱۵ - دانستیها از کتاب فرهنگنامه
۲۷۵		۱۶ - نامه از لجنه جوانان نیجر
۳۱۹		۱۷ - قسمتهائی از نامه دوشیزه ناهید مهاجری مهاجر فیلیپین
۳۲۱	فریده سبحانی	۱۸ - سرود زندگی
۳۲۴	از نامه قدسیه علانی	۱۹ - کنفرانس جوانان در ولت
۳۲۶	ترجمه مهین پوررحیمی	۲۰ - داستان جنگل

ز - فهرست تصاویر

بچه های بهائی شهر کلیولند - ۶۲ - فوجی تا ۱۲۲ - مدرسه گایزویل  
 ۱۶۹ - دیزی گیلسی ۲۱۸ - جوانان بهائی ایرانی در هند - ۲۲۲ ۲۶۴۹ -  
 لجنه جوانان نیامی ۲۲۳ - لیند امارشال ۲۶۸ - جمعی از جوانان نیجر ۲۷۵  
 خانم مهاجری در بین احبای فیلیپین ۳۱۹ - ۳۲۰